نسیم اسلام

سال اول | شماره اول

بهمن ۱۳۹۷ | جمادی الثانی ۱۴۴۰هـ ق

نشریه فرهنگی - مذهبی طلاب مدرسه دارالقرآن سراوان



یادداشت سردبیر | قرآن و سیرت نبوی | صحابه و تاریخ | جامعه اسلامی

| گفتگو | ردشبهات اسلام ستیزان | جهان اسلام | معرفی نرم افزار

نسیم اسلام

نشـریه فرهنگـی – دینـی
طلاب مدرسه دارالقـرآن

ســال اول / شـــماره اول /
بهمن ماه ۱۳۹۷ / جمادی الثانی
۱٤٤۰ هـ ق

سردبیر:
مولوی حبیب الله سپاهی

هیئت تحریریه:
عبدالرحمان نورزهی
خالد شیخ زاده
یاسر سابکزهی
سعید درویش
قاری محمد سپاهی
داود دهواری
محمد دهواری
مرتضی سپاسی
مرادمحمد گمشادزهی
بیت الله هوتی
ابراهیم بلوچی
اسلم کدخدایی
یعقوب بارانزهی
مسعود پرکی
عبدالرزاق حسن زهی
عبدالرزاق دهواری
عبدالغنی سپاهی
علی سابکزهی
عبدالحق سپاهی
شاکر بلوچزهی
ارسلان سپاهی
یونس درازهی
شهاب الدین مالکی

حروفچین و ویراستار:
شاکر بلوچزهی
عبدالحق سپاهی

مدیر داخلی:
خالد شیخ زاده

طراح جلد و صفحه آرا:
عبدالحق سپاهی

تصویر جلد:
ساختمان مدرسه دارالقرآن سراوان

معرفی کوتاه
مدرسه دارالقـرآن سـراوان

مدرسه دارالقرآن سراوان یکی از مدارس فعال شهر سراوان در سال تحصیلی جاری با بیش از ۳۹۰ طلبه در دو شعبه برادران و خواهران فعالیت می کند. ۳۰ نفر به عنوان استاد و پرسنل خدماتی در این حوزه مشغول خدمت هستند.
تاکنون بیش از ۲۲۰ نفر به عنوان فاضله علوم دینی و حافظ قرآن از این مدرسه فارغ التحصیل شده اند.

مدرسه دارالقرآن در نظر دارد برای فعالیت تخصصی تر و رفع کمبود مکان برای کلاسهای تخصصی و همچنین نبود مسجد در این حوزه ، پروژه ساختمانی جدید این حوزه را که شامل کلاسهای تخصصی علوم دینی و مسجد می باشد، اجرا کند. لذا از همه خیرین عزیز برای سهیم شدن در این اجر معنوی دعوت به عمل می آید.

شماره کارت بانک کشاورزی (به نام مدرسه) : ۶۰۳۷۷۰۱۱۴۱۳۹۸۸۰۷

شماره کارت بانک ملی (به نام مدیر مدرسه) : ۶۰۳۷۹۹۷۱۲۴۴۶۹۲۳۱



فهرست مطالب



استان سیستان و بلوچستان - سراوان
خیابان دارالقرآن - مدرسه دارالقرآن



شماره تلفن: ۰۵۴ - ۳۷۶۴۱۵۰۰
شماره تلفن همراه: ۰۹۱۵۱۹۸۹۳۸۷



پایگاه اینترنتی مدرسه دارالقرآن سراوان
www.Darulquran.ir

یادداشت سردبیر

مولوی حبیب الله سپاهی | استاد مدرسه دارالقرآن سراوان

اَلحَمدُ لِلّهِ الَّذی اَعَزَّنا بِالاسلامِ وَ نُصَلّی و نُسَلِّم عَلی اَطیَبِ الخَلقِ و اَشرَفِ المُرسَلین علیه الصلاة و التسلیم.

ای اسلام ای دین جاویدان ای راهت پر ز جود و توان
دور از تو اندیشه بدان پاینده هستی و جاودان

اساسِ دین اسلام بر دعوت مردم به یکتاپرستی است. در این راستا پیامبر اسلام ﷺ مأمور ابلاغ تعالیم الهی به مردم بود. این مأموریت تنها از راه فراخواندن آنان همراه با استدلال‌های منطقی بود، نه با جنگ و خشونت. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «اُدْعُ إلی سَبیلِ رَبِّکَ بِالْحِکْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جادِلْهُمْ بِالَّتی هِیَ أَحْسَنُ» (با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما! و با آنها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن).«قُلْ هذِهِ سَبیلی أَدْعُوا إِلَی اللهِ عَلی بَصیرَةٍ» (بگو: این راه من است (و راه پیروانم) همگان را در عین بصیرت به سوی خدا می‌خوانم).اساساً هیچ پیامبری دین خود را بر مردم تحمیل نکرده است و پیامبران مأمور رساندن تعالیم الهی به مردم بوده‌اند، نه تحمیل آن. بعد از گذشت چهارده قرن از دوران پیامبر اسلام ﷺ امروزه می‌بینیم بشر در بدترین شکل ممکن دلبسته ، وابسته و فریفته دنیا گردیده به طوری که این وابستگی منجر به انجام انواع فساد و گناهان بیشماری شده که نتیجه آن جز تاریکی و سرگردانی و هلاکت چیز دیگر نمی‌باشد.

امروزه میلیاردها انسان از نعمت دین اسلام و لطف و صفای آن محرومند! چه شده است که امروزه دین محمد ﷺ غمخواری ندارد؟! چه شده است که اسلام عزیز بی‌یار و یاور است؟! مسلّماً تنها جوابی که در ذهن انسان با منطق و عقل‌مند خطور می‌کند، فراموش کردن هدف زندگی است؛ آنجائی که پروردگار عالم می‌فرمایند : «وَ مَا خَلَقتُ الجِنَّ وَ الانسَ اِلّا لِیَعبُدون» (و ما نیافریدیم جن و انسان را مگر برای عبادت)

از مهم‌ترین اهداف دین اسلام، سعادت بشر در دنیا و آخرت (تنها در گرو خداشناسی و خداپرستی) است و این بزرگترین وظیفه انبیاء در قبال ملت‌ها بوده و ما نیز همین وظیفه را برعهده داریم.امیدوارم برای این هدف عالی و متعالی همه ی ما نعره ایمانیِ «اینقص الدین و انا حیٌّ» (آیا در دین خدا کمی و نقصان بیاید و من زنده باشم؟) را سر داده و برای پاسبانی از دین عزیزمان سر تا پا جان فدا باشیم.

این مجله با عنوان "نسیم اسلام" توسط طلابی که ابتدا از مدرسه دینی دارالقرآن سراوان شروع به تحصیل نموده اند و پس از آن به مدارس دینی سراسر استان رفته اند و هم اکنون در آن مدارس مشغول تحصیل هستند ، نوشته شده است. این مجموعه طلاب با توجه به ارتباط نزدیکی که تاکنون با مدرسه دارالقرآن دارند، نشریه خود را تحت عنوان " نشریه طلاب دارالقرآن" و با همکاری امور کامپیوتری این مدرسه منتشر نموده اند.





قرآن وسیله نجات

عبدالرحمن نورزهی | طلبه فعلی عین العلوم گشت

سپاس و ستایش خدایی را که قرآن را از فیض رحمتش نازل کرده و آن را پیشوا و راهنمای عاشقان قرب و وصال بارگاهش قرار داده است و درود و سلام بر برگزیده مخلوقاتش و آورنده پیام خداوند برای همگان ، محمد ﷺ پیامبر انس و جنّ و بر طرفداران و پیروانش باد تا آخر زمان.
قرآن چراغ دلهایی است که از گلستان آن قدم می گذارند، بهار قلبهایی است که در گلزار آن گل می‌چینند و شفا دهنده و آرام بخش روح و روان هایی است که از حکمت آن شفا می‌جویند. قرآن همان کلام نورانی است که برای هدایت بهترین امت‌های جهان که اسلام نام دارد، از جانب خدای متعال بر خاتم پیامبران محمد ﷺ نازل شده است.
این امت پیش از نزول قرآن، بصورت قبائل پراکنده‌ایی بودند که هیچ پیوند دینی و مصلحت اقتصادی و یا رابطهِ سیاسی آن‌ها را به دور هم جمع نمی‌کرد. شغلشان جنگ وَ غارت و اخلاق و عاداتشان ایجاد دشمنی و عداوت بود. از جنبه اجتماعی پایین‌ترین و بی‌فرهنگ‌ترین جامعه انسانی را تشکیل می‌دادند. از جنبه علمی نیز در نهایت جهل و نادانی قرار گرفته بودند؛ به خواندن و نوشتن اهمیت نمی‌دادند.
از لحاظ سیاسی هم در انزوای کامل به سر می‌بردند و کوچکترین رابطه‌ای با دنیای خارج از لحاظ اتحاد، هم‌پیمانی، معاهده و قرارداد نداشتند و این امرصرفاً به خاطر این بود که از نظر سایر ملتها بی‌اهمیت به‌شمار می‌آمدند، و دارای شأن و مقامی نبودند.
اوضاع سیاسی، صنعتی، علمی، اقتصادی و اجتماعی این ملت به همین نحو از ابتدای وجودش تا مبعوث شدن حضرت محمد ﷺادامه داشت و به گواهی تاریخ تا آن زمان و در هیچ قرن و نسلی تغییر و تحولی در آن‌ها به‌وجود نیامده بود.
وقتی قرآن به‌وسیله‌ی رسول خدا، حضرت محمد ﷺ برای هدایت این امت آمد بیش از چندسالی طول نکشید که دیدیم ملت عرب به تحرّک و جهش افتاد و خورشیدوار پرتو افشانی کرد؛ اخلاق و بینش صحیح از خود نمایان ساخت و سپس به‌عنوان یک نیروی قدرتمند و عادل در جهان به حرکت درآمد و تلاش خود را از موضع عقل و قدرت شروع نمود، ناراحتی‌ها و پریشانی‌ها، محو کننده ظلم و تاریکی و بلکه حیات بخش و زنده کننده جسم‌های بی‌جان درآمد.
چه چیزی باعث شد این تحول ناگهانی که دنیا را متحیر و مبهوت کرده بود به وجود آید؟
باید بگوییم عامل این تحول عظیم تنها وجود حضرت محمدﷺ و قرآنی بود که از جانب خداوند بر او نازل شد، قرآنی که آن را قانون خود و امتش قرار داد و به عنوان مرجع و امامی معرفی نمود که باید تمام کار و امور خود و پیروانش بر اساس آن انجام گیرد، این امر موجب چنان تغییر و تحولاتی گردید که حتی اگر با جدیت و تلاش فراوان قلم ها و استعدادهای خود را به‌کار گیریم نمی‌توانیم قسمتی از آن را توصیف کنیم، چه برسد به اینکه به فکر توصیف همه آن‌ها باشیم. این ملت به‌وسلیه قرآن زنده گردید و به حرکت در آمد و به وسیله قرآن آگاه و هوشیار شد و امتی منسجم و جامعه‌ای متشکل را به‌وجود آورد ، تخریب و نوسازی‌اش را کلاً تحت رهبری و راهنمایی قرآن انجام داد؛ از این جهت قرآن را باید روح و حیات این امت و رمز وجودی و نگهدارنده آن به شمار آورد.
اما امروز با وجود این قرآن ما در چه موقعیتی قرار داریم؟ دلیل این فاصله زیاد که میان ما و قرآن ایجاد شده است از چیست؟
رهبران مخلص نا امید گشته‌اند و توده‌ی مسلمانان هم در این میان در عذابند و چاره درد را نمی‌شناسند، می‌نالند ولی محل درد را تشخیص نمی‌دهند، به حرکت در می‌آیند اما نظمی ندارند، احساس دارند ولی بی‌رویه است، حرف می‌زنند ولی به دور از خیرخواهی است، نگاه می‌کنند اما در تاریکی و بدون نور هستند، در تلاشند اما تلاششان با عقل همراه نیست، این بلای عظیم، این حادثه هولناک و این وضع عجیب، امت را به ذلت و خواری انداخته و آن را به سقوط و انحطاط کشانده تا جایی که از حیات هستی خود به شک افتاده و از خود مأیوس و دلسرد شده است. چرا این امت نگاه می‌کند ولی نمی‌بیند، لمس می‌کند ولی قدرت تشخیص ندارد، احساس می‌نماید اما قدرت درک ندارد، حرف می‌زند ولی عمل نمی‌کند، کدام یک از نعمت‌هایش ربوده شده؟ کدام یک از رگ هایش قطع شده؟ چه اختلالی در اجزایش رخ داده؟

چه عنصری را دست داده و چه رکنی را فراموش کرده که به این بدبختی گرفتار شده است؟

به راستی که سرمایه عظیمش، قرآن مجید را فراموش کرده است. این ملت چگونه می‌تواند بدون قرآنش دوام داشته باشد و بدون روحش زنده بماند؟ شما می‌دانید که تأثیر و نقش قرآن بر این ملت و حیات و هستی آن تا چه اندازه می‌باشد. حال این ملت چگونه می‌تواند بدون قرآن، پیروز و رستگار باشد و با چیزهایی بر خلاف قرآن سر بلند شود؟

مایه حیات این امت قرآن؛ و روح آن اسلام است و هرگز نمی‌تواند بدون این دو نیرو زنده بماند و یا با ملت های دیگر برابری نماید؛ در حالیکه می‌بینند که خاص و عام این ملت از قرآن و اسلام به‌دور شده اند. قرآن در نزد مسلمانان صدر اسلام به گونه ای بود که مسلمانان در تمام کارهای شخصی آن را به عنوان قانون و برنامه اساسی خود قرار می‌دادند، سرکشی های نفس را با تهدیدهای قرآن مهار می‌ساختند و به واسطه قرآن به سوی پروردگار خود به پرواز در می آمدند ولی ما کجا و آن روزها کجا؟!

ما خواندن قرآن را تنها به عنوان تبرک در منازل و یا اظهار همدردی در مراسم سوگواری قرار داده ایم. هیچ بهره ای از قرآن، جز گفتن کلمات و زیر و رو کردن صفحات آن و شنیدن صدای قاریان و تکان خوردن از نغمه آن نداریم.

متأسفانه از تأمل و تعمق در معانی عالیه قرآن و کوشش برای دستیابی به اهداف گرانبهای ان و آگاه شدن از اسرار و حقایقی که پدران ما در مدتها پیش، زنده ساخت و بهترین ملت‌ها را از آنان به‌وجود آورد، بهره‌ای نداریم و خاص و عام در این بدبختی سهیم هستیم.

قرآن کریم، کتاب الهی و وحی آسمانی است که جبرئیل آن را بر قلب خاتم أنبیاء و پیشوای پیامبران نازل نموده تا قلب‌های مرده به واسطه تأویلات هواهای نفسانی را به وسیله آن زنده نماید.

آری! تنها به وسیله قرآن می‌توان به حقایق علم و طُرق عرفان دست یافت و روح را در مسیر سعادت و ایمان به حرکت انداخت.

قرآن دوایی است برای فرد و جامعه بیمار؛ اکسیری است نازل شده از آسمان تا همّت‌ها را برانگیزد و روح‌های مرده را زنده کند، البته این دوا بر بیماران آزمایش شده، نتیجه مطلوب را به دست داده و معجزه خود را به اثبات رسانده است. چرا ما که خود را به آن نسبت می‌دهیم و ادعای اتکاء به آن را داریم نفس خود را با آن هماهنگ نمی‌کنیم و آن را در زندگی به کار نمی بندیم. آیا دلیل این نیست که اهداف عالیه قرآن را درک نمی‌کنیم؟

آری! علت اساسی این است ولی باید علت دیگری را به آن اضافه کنیم که از بی‌توجهی و سستی بعضی از علماء به هنگام قرائت قرآن و عدم تعمق و تدبر در معانی آن و اهداف گرانبهای آن نشأت گرفته است، بلایی که قرن‌ها است که مسمانان به آن مبتلا شده‌اند، تا کار به جایی رسیده که شخص تمام قرآن را از حفظ می‌خواند ولی متأسفانه معنی یک سطر ان را نمی‌داند و حتی در طول زندگی خود به فکر آن نیست که خود را زحمت داده و معنای قسمتی از آن را یاد بگیرد، در حالی که وضع حافظان قرآن به این صورت است، باید اقرار کرد که وضع عامه مردم خیلی اسفناک‌تر است؛ عامه به قرائت و تدبر در قرآن توجهی ندارند و تنها سوره های کوچک را حفظ می کنند و گاهی در نماز آن را به غلط می‌خوانند و معنی آن را نیز نمی‌فهمند.

تاریخ جهان گواه است که قرآن کریم، بزرگترین کتاب انقلابی است. این کتاب، جهانی را عوض نمود و در زمان خویش، یک قوم و ملت عقب مانده را به ملتی بسیار پیشرفته و متمدن تبدیل نمود و در تمام زوایای زندگی انسانی، آثار ژرفی از خود به‌جای گذاشت.

اینک مسلمانان در تمام جهان، قرآن کریم را کتاب نازل شده خداوند می‌دانند و ایمان دارند که قرآن، معجزه‌ای است الهی که مانندی ندارد.

قرآن حجت الهی بر بندگان بوده و فرمان‌هایش واجب الإطاعة و ضامن سعادت دنیا و آخرت مسلمان است. اما توأم با این اعتقاد، مسلمانان به گونه‌ای پیوسته از این کتاب بیگانه شده و در نتیجه با زوال و تباهی رو برو گردیده‌اند.

در واقع قرآن کریم معیار عروج و زوال این امت قرار داده شده است. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:
«إِنَّ اللَّهَ يَرْفَعُ بِهَذَا الْكِتَابِ أَقْوَامًا وَيَضَعُ بِهِ آخَرِينَ» خداوند در عمل کردن به این قرآن، مقام عده‌ای را بالا می‌برد و عده‌ای دیگر را که بدان عمل نمی‌کنند به خاک مذلت می‌نشاند.

از این دانسته می‌شود که هر گاه افراد این امت، به گونه‌ای صادقانه به عمل بر قرآن مزین گردند، به عروج و عظمت دست می‌یابند و اگر آن را ترک نمایند با زوال و سقوط و ذلّت روبرو می شوند. به همین دلیل است که امروز نیز برای اصلاح امت، راهکاری باید عملی و اجرا شود که در صدر اسلام به کار گرفته شد.

امام مالک ﵀ می‌گوید: «لایصلح آخر هذه الأمة إلا ما صلح به الأول» آنچه به آن اولِ این امت اصلاح شد، می‌تواند کار نسل‌های اخیر این امت را اصلاح آورد.

از این رو بر هر فرد مسلمان لازم است که همگام با فرمان آنحضرت صلی الله علیه وسلم عمل کند، آنجا که می‌فرماید: « خیرکم من تعلم القرآن و علمه» بهترین شما کسی است که قرآن را یاد گرفته و به دیگران یاد بدهد.

بنابراین بر هر مسلمان لازم است که برای پخش و گسترش و تعمیم انوار این کتاب الهی تلاش ورزیده و با این شیوه در اصلاح و صلاح امت محمدی مجدّانه سهیم باشد.

***

منابع:

- صحیح بخاری
- صحیح مسلم
- نقش قرآن در هدایت انسان / تالیف فرید وجدی /مترجم: ابوبکر حسن زاده
- کتاب مصاحبه با قرآن / تألیف محمد رفیق چودری /مترجم: عبدالله خاموش هروی



اعجاز آیات قرآن کریم در عصـــــر جدیـد

خالد شیخ زاده | طلبه فعلی تعلیم القرآن شورشادی - زاهدان

به راستی که قرآن این کلام جاویدان معجزه‌ای است همیشگی که جهان هرگز شاهد این چنین معجزه‌ای نبوده است.
قرآن معجزه ی نبی گرانقدر اسلام ﷺ و تنها راه نجات و برون رفت از مشکلات جوامع بشری می باشد. تاریخ گواه انقلابات قرآن کریم از گذشته تا حال بوده است؛ شاعر چه زیبا می‌سراید:

راهزنان از حفظ او رهبر شدند   از کتابی صاحب دفتر شدند
دشت پیمایان ز تاب یک چراغ   صد تجلی از علوم اندر دماغ

قرآن دریای ژرفی است که هیچگاه غواصان اعجازش به عمق واقعی آن نخواهند رسید. سخن از آسمان و کهکشان و داستان های عجیب دارد، هر خواننده ای را به خود می کشاند و هر مستمعی را وا می‌دارد که با اندک تفکری آن را پذیرا شده و به آن اطمینان برسد که قرآن گنج بی پایان خداوند است و پیش قراول علم و دانش. هر اندازه علم پیشرفت کند، دامنه اعجاز قرآن گسترده تر می شود. بی‌شک قرآن کلام جاودان پروردگار است و منجی انسانیت از راه ضلالت می باشد. در آن هیچ کلام یا حرفی در غیر از جای خود قرار ندارد و آنچه از اخبار و بشارات و انذار دارد، معجزه است و مفید به حال بشریت.

اعجاز قران در عصر فضا تکنولوژی

همخوانی آن با پیشامدها و حوادث هنگام نزول و بعد از آن، و پیشی گرفتن از علوم روز با سخنگویی از مغیبات و برتری ترکیب و بلاغت، دست به دست هم داده تا قرآن بر سریر صدارت دیگر کتب آسمانی قرار گیرد و بر آنچه دیگر پیامبران آورده‌اند برتری یابد. (تبیان علوم القرآن از علامه صابونی)
بله، قرآن معجزه ی جاویدان محمد مصطفی ﷺ می باشد که هیچ کس نمی تواند شبیه و مانندی برای آن پیدا کند زیرا که خداوند متعال خود از تحریف و تبدیل و تشابه آن را در امان قرار داده است. جهان غیر مسلمان در پی تغییر این کلام ارجمند بوده اند اما هرگز به این هدف شوم خود نرسیده و نخواهند رسید.

قرآن معجزه‌ی جاویدان

معجزه یعنی نسبت دادن عجز و ناتوانی به دیگری است. اعجاز نیز از همین ریشه ، به معنی نشان دادن ناتوانی جامعه بشری از انجام دادن یک عمل غیر عادی است. قرآن کتاب خداوندی است که از جهت اسلوب و نظم کلمات، زیبایی، ظرافت، دانش، حکمتها و اثرگذاری به سوی هدایت، دانشمندانِ اسلامی به کشف رمز آن پرداخته اند تا وجوه اعجاز را بیان کنند اما با کمال تعجب مشاهده کردنده اند که قرآن در ذات خود ناتوان کننده است. در فصاحت الفاظ و شیوایی کلمات و طراوت بیان، روشی منحصر به فرد دارد که نه نثر است و نه شعر بلکه نظام آوایی خاص و ظرافت لغوی و برتری فنی آن را فرا گرفته است. (التبیان فی علوم القرآن)
قرآن از جنبه‌های مختلف معجزه است. می توان اعجاز قرآن را به چند دسته تقسیم نمود.
۱.اعجاز تسلیمی۲.اعجاز بلاغی۳.اعجاز تصویری۴.اعجاز ریاضی و تناسب اعداد و کلمات۵.اعجاز علمی و پزشکی۶.اعجاز طبی و...
بنابر کم بودن مجال تنها به یک یا دو مورد از اعجازهای قرآن کریم خواهیم پرداخت.

قرآن وطرح مغیبات

آیات علمی قرآن کریم بسیارند و انواع مختلفی دارند. می توان در یک تقسیم بندی آنها را به دو دسته‌ی عمده تقسیم نمود.
الف) آیات و نشانه های الهی در طبیعت
ب)آیات و نشانه های الهی در درون و ذات خود آدمی
خداوند انسانها را دستور می دهد که در جهان درون و برون خود تدبر کنند تا به خودشناسی و آنگاه خداشناسی برسند اما دست یابی به نشانه های الهی در طبیعت نیاز به تحقیق و تامل دارد. چنانچه خداوند متعال می فرمایند: ﴿سنریهم ایاتنا فی الافاق وفی انفس ﴾ ترجمه: «به زودی نشانه های خود را به منکران نشان خواهیم داد تا بر ایشان روشن شود که قرآن حق است».
اگر واقعیت‌های اعجازی قرآن زود یافت و در دسترس می بود پس خداوند نمی فرمود (سنریهم) یعنی در آینده‌ای نزدیک نشان می‌دهیم از این آیه فهمیده می‌شود که اعجاز قرآن در آینده نیز خواهد بود. با پیشرفت علم نشانه های علمی ، قرآن کریم واضح و آشکار گشتند و در این آیه معجزه و پیشگویی نهفته است، اینکه این نشانه ها در زمان حیات پیامبر نخواهند بود بلکه از عصر ایشان شروع و در طول تاریخ ادامه می یابند .

اعجازعلمی قرآن در عصر تکنولوژی

قرآن خبر از آن دارد که آسمان در حال توسعه است. آیه ۴۷ سوره ذاریات موید همین سخن است ﴿والسماء بنینها و انا لموسعون﴾ ترجمه: «ما آسمان را با قدرت بنا ساخته و همواره آن را وسعت می دهیم ».
همچنین در آیات دیگر قرآن بیان می کند که این جهان روزی نابود خواهد شد و خورشید و ماه برچیده می‌شوند. ﴿یسئل ایان یوم القیامه فاذا برق البصر وخسف القمر وجمع الشمس القمر﴾ قیامه۹_۶ ترجمه :«میپرسد روز قیامت کی خواهد آمد؟

هنگامی کـه چشـم‌ها سراسـیمه و آشـفته شـود و مـاه بـی نـور و روشنایی می گردد، خورشید و ماه گرد آوری می گردند.»
در آیه ای دیگر مـی فرماینـد: ﴿اذ السـماء انفطـرت و اذ الکواکـب انتثـرت و اذ البحـار فجـرت﴾ ترجمـه :«آن هنگـامی کـه آسـمان شکافته شود و هنگامیکه ستارگان فرو ریزنـد و زمـانی کـه دریاهـا منفجر شوند».
این آیات اگر چه در زمان حیات نبی کریم ﷺ برای بشر آن زمان چیزی عجیب و دور از ذهن بودند اما با شناخته شدن علم کیهـان شناسی این واقعیت علمی آشکار گشت.
کیهان شناسان گذشته و آینده جهان را به مراحلـی تقسـیم کـرده اند و همینطور اینکه روزی آسمان و زمین از بـین خواهنـد رفـت، این مهم برای آنها آشکار گشت این جا بود کـه دانشـمندان غربـی غیر مسلمان می گفتند: الله اکبر الله اکبر قرآن جاوید است!
کیهان شناسان آفرینش گذشته و آینده زمین را به چهـار قسـمت تقسیم نموده‌اند که خود تفسیری بر آیات فوق است:

۱. انفجار بزرگ که بعد از آن جهان کنونی شکل گرفت
۲. گسترش پیوسته‌ی جهان
۳. توقف جهان از گسترش
۴. انفجار و تباهی و نـابودی بـزرگ کـه در آن خورشـید و مـاه و ستارگان به هم برخورد خواهند کرد و پایان جهان کنونی می‌باشد.

اعجاز تسلیمی قرآن

قرآن چنان تاثیری بر قلوب بشریت گذاشت که حتی سرکش ترین انسانها با شنیدن آن در مقابل او تسلیم شده و مطیع فرامین او می گشتند.
نقش قرآن تا در این عالم نشست / نقش‌های کاهن و پاپا شکست
فاش گویم آنچه در دل مضمر است / ایـن کتـابی نیسـت چیـزی دیگر است (اقبال)
ولید بن مغیره یکی از دشمنان سرسخت نبی اکرم ﷺبـود کـه بـا تمام وجود در مقابل اسلام و مسلمین ایستاده بود. وقتی کـه ولیـد بن مغیره نوای دلنشین و آرام بخش قرآن را شـنید، در وجـودش انقلابی عجیب حاکم شد زیرا او از فن بلاغت آگاه بـود و در بحـث زبان عربی یکی از اکابر زمان خود محسوب می‌شـد. او بـا شـنیدن آیات قرآن فهمید که این آیات نمی توانـد کـلام بشـر باشـد. نـزد قبیله‌ی خود برگشت و گفت: به خدا قسم، همـین حـالا از محمـد سخنانی شنیدم که از جنس سخنان بشر نیست و نه سخنان پریان باشد، به خدا در آن شیرینی شگرفی نهفته و نسـق زیبـایی بـر آن استوار است.اما بنابر عناد و کینه ای که نسبت به پیامبر داشت آنرا سحر و عامل تفرقه بین فرزندان و خانواده ، اربـاب و غـلام خوانـد. اگرچه غیر مسلمانان صدر اسلام بنابر تعصب مذهبی و قومی از پذیرش اسلام سرباز می‌زدند اما به هنگام مواجه شدن با قـرآن سر تسلیم را در مقابل آن فرود می‌آوردند و می‌گفتند این کلام بشری نیست و تنها عناد بود که مانع پذیرش اسلام توسط آنهـا بود.

قرآن و علوم عصر

بی شک قرآن کلام جاودان پروردگار است و تنها کتـابی اسـت که با آمدن انسان های گوناگون و متفکـران و دانشـمندان، بـاز هم زمانه از آوردن مثلی برای آن عاجز است و در مقابل اعجـاز او کرنش کرده است. امروز هم دانشمندان با تحقیـق و تفحـص در آیات الهی به عجاز قرآن پی برده اند.
اگر نگاهی گذرا به گذشته داشـته باشـیم خـواهیم فهمیـد کـه قرآن در هر زمانی، هم عصر های خود را مطابق با دانش همـان زمان به مبارزه طلبیده است.
گرچه علم پیشرفت کرده است اما بـاز هـم پـیش قـراول تمـام علوم قرآن بوده و است و همگان را به تعجب وا داشـته اسـت. امروزه نیز در علوم عصری قرآن در سریر صدارت قرار دارد.
پزشکان دریافته اند که بهترین راه برای پیشگیری از بیماری ها اطاعت و پیروی از احکام قرآنی می باشد، ریاضی دانان با کشف اعجاز عددی قرآن که چه زیبا قرآن با آن زینت گرفته، انگشت به دهان مانده‌اند و کیهان شناسان با مطالعه آیات و دیدن فضـا و بی نقص بودن راهنمایی های قرآن در تعجـب شـگرفی قـرار گرفته اند.

کلام آخر

این که قرآن می تواند راهی برای برون رفت از مشـکلات باشـد بر کسی پوشیده نیست و هیچ شخص واقـع بینـی نیسـت کـه اعتراف به منجی بودن قـرآن نداشـته باشـد، حتـی بسـیاری از غربی‌ها راه نجات از نا آرامی ها و دلهره های زمان را پیـروی از قرآن می‌دانند.
مسلمانان امروزه باید برای ترویج این گلدسته‌ی نجات‌بخش از ابزار های عصـری اسـتفاده نماینـد چنانچـه می‌گوینـد :جنـگ تفنگ با تفنگ است، همانطور که در مقابل اسلحه های غربیان که در لباس فضای مجازی ،ماهواره و ... در زندگی ما و دیگـران نفوذ کرده اند باید به روشهای خودِ آنها با آنان مقابله کنیم و بـا ایجاد سایت های قرآنی و گروهها و کانالهای واتساپی و تلگرامی که در آن به معرفی قرآن بپردازند با آنها مقابله به مثل کنـیم و از اسلحه هایی که آنها برای تباهی و بربادی ایمان ما بکار بـرده اند، به نفع خود و آنها استفاده نماییم.
«به امید روزی که قرآن صدر نشین زندگانی بشریت خفته قرار گیرد»

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ



ویژگی های سیرت نبوی صلی الله علیه وسلم

یاسر سابکزهی | طلبه فعلی دارالعلوم زاهدان

خورشید عشق را رهِ شام و زوال نیست/// بر هر دلی که تافت، در آن دل ضلال نیست

در آسمان دلبری و آستان عشق/// نور جمال دلبر ما را مثال نیست

بررسی ویژگی‌های سیره نبوی برای هر دعوتگر و مصلح لازم می‌باشد، زیرا سیره نبوی قوی‌ترین دژ در مقابل طوفانهای سرسام‌آور زندگی می‌باشد و انسان در سایه سیره نبوی (صلی الله علیه و سلم) زودتر به نتیجه مطلوب خواهد رسید. راهکارهای سیره نبوی (صلی الله علیه و سلم) برای باز کردن قفل قلب‌ها از بهترین راهکارها هستند و از این طریق می‌توان مخاطبین را بیشتر جذب کرد و رسالت خویش را بهتر اداء نمود. بدین سبب چند ویژگی از ویژگی های بارز سیره نبوی ﷺ را تقدیم خوانندگان می‌کنم:

۱- سیره پیامبر اسلام ﷺ صحیح ترین سیره در میان سیره سایر انبیاء و مصلحان بزرگ است که از طریق قوی‌ترین منابع علمی به دست ما رسیده است. یکی از ویژگی‌های سیره پیامبر اسلام (صلی الله علیه و سلم)صحیح بودن آن است که هیچ مجالی برای شک و تردید در آن نیست و این ویژگی در سیره سایر انبیاء یافت نمی‌شود. بعنوان مثال سیره حضرت موسی (علیه السلام): منابعی که میتوان از آن اطلاعاتی از سیره سیدنا موسی(ع) پیدا کرد، توسط پیروانش چنان دست‌خوش تحریف و افسانه‌بافی شده‌اند که به سختی می‌شود به آن اعتماد کرد. چنانچه بسیاری از منتقدین غربی بر برخی از کتب مقدس انگشت گذاشته و آنها را منابع غیر معتبر می‌دانند، پس این امر دلالت بر آن دارد که سیره حضرت موسی (ع) از منابع معتبر تهیه نشده است و آنچه که در تورات امروزی آمده خود دارای شک و شبهه است بدین سبب نمی‌توان بر سیره ایشان بیشتر از آنچه که در قرآن و سنت صحیح رسول ﷺ وجود دارد، اعتماد کرد. و همچنین سیره حضرت عیسی(علیه السلام) این‌گونه است تاجائیکه بسیاری از علمای نصرانی معتقد هستند انجیل‌هایی که در میان مسیحیان دست به دست می‌شوند و مورد تایید کلیساها هستند ، صدها سال بعد از حضرت مسیح نوشته شده‌اند. اگر این حال سیره انبیاء باشد پس سیره سایر بنیان‌گزاران مکاتب غیر سماوی مانند "بودا" و "کنفوسیوس" و دیگر فلاسفه چگونه خواهد بود؟

۲- تمام مراحل زندگی پیامبر ﷺ از هنگام ازدواج پدرش عبدالله با مادرش آمنه گرفته تا پس از تولد، دوران کودکی، نوجوانی، جوانی، محل کسب و کار و سفرهای قبل و بعد از بعثت و تا سال وفاتش به‌سان خورشیدی روشن است. چنان که بعضی از مستشرقین اعتقاد دارند پیامبر اسلام ﷺ تنها شخصیتی است که زندگی‌اش مانند خورشید روشن و واضح است و در هیچ مرحله‌ای از مراحل زندگی ایشان موضوع پنهانی وجود ندارد. این ویژگی تنها منحصر به سیره نبوی است و در سیره سایر انبیاء این ویژگی یافت نمی‌شود. بطورمثال از زندگی حضرت موسی فقط اطلاعات سطحی از هنگام تولد و دوران بعثتش موجود است اما اطلاعات کامل از همه مراحل زندگیش در دسترس نیست و همچنین زندگی سیدنا مسیح (علیه السلام)

۳- سیره پیامبر ﷺ حکایت از شخصیتی انسانی و به تمام معنا کامل را دارد که خداوند ایشان را با رسالت خویش گرامی داشته و با وجود اینکه یک انسان مانند سایر انسان‌ها بوده اما باز هم سیره وی آغشته به افسانه و خرافات نگشته

است و پیروانش ایشان را نه خدا می‌دانند و نه شریک خدا اما اگر در سیره سیدنا مسیح علیه‌السلام و بودا بنگریم پی می‌بریم که پیروانشان، آنها را خدا می‌خوانند. بنابراین سیره سیدنا مسیح علیه‌السلام و بودا نمی‌تواند الگویی مناسب برای مردم در زندگی فردی و اجتماعی باشد. در صورتی که سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم سیره یک انسان کامل است که هر شخص می‌تواند ایشان را الگوی زندگی خویش قرار دهد؛ خداوند متعال می‌فرماید: لقد کان لکم فی رسول الله أسوةٌ حسنةٌ لمن کان یرجو الله والیوم الآخر و ذکر الله کثیرا (احزاب ۲۱)

۴- سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم سیره یک انسان کامل است که همه ابعاد زندگی بشر را در بر می گیرد و زندگی ایشان می تواند برای همه اقشار جامعه الگو وسرمشق باشد؛ زیرا ایشان هم معلم، هم رهبر، مجاهد، فرمانده سپاه، مصلح، مربی، پدر و ... بودند که در همه زمینه ها شخصیتی ایده آل بوده است.

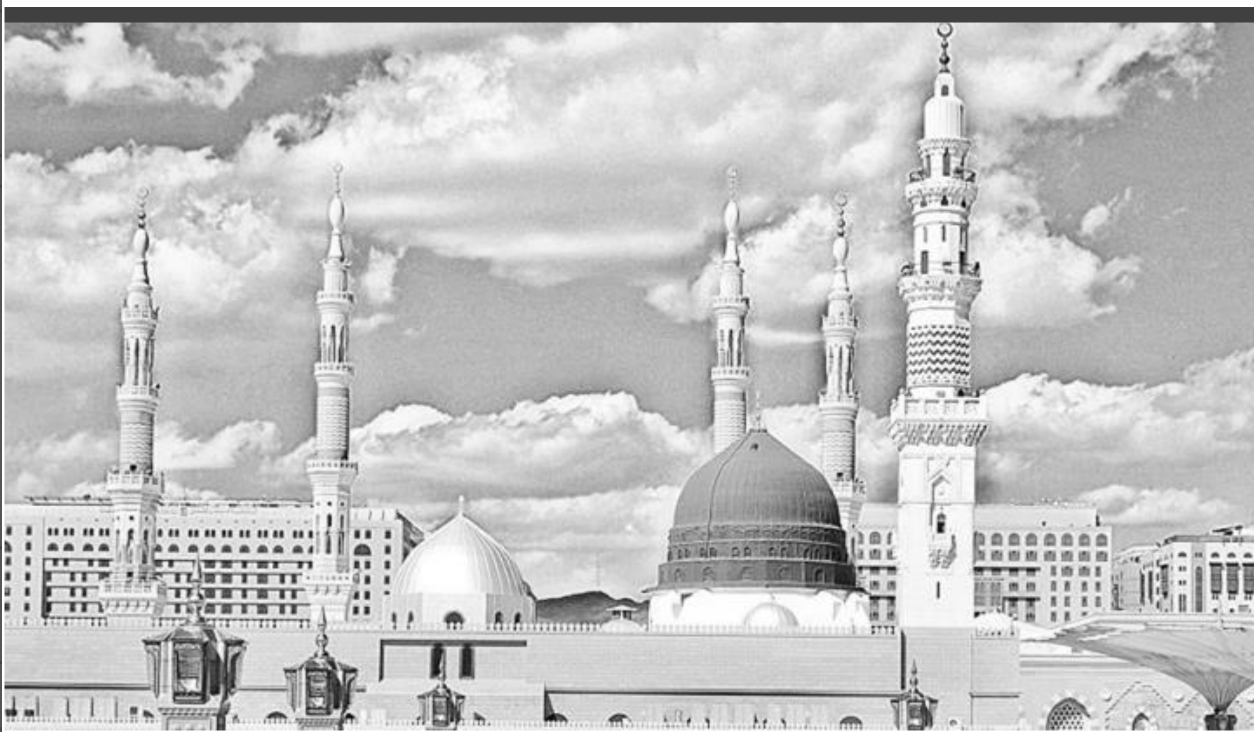
این ویژگی در سیره سایر انبیاء گذشته یافت نمی شود بطور مثال زندگی سیدنا موسی یک الگوی مناسب در زمینه دعوتگری است که توانست یک امت را از دام ضلالت به طرف هدایت ارشاد کند اما زندگی وی در زمام داری، فرماندهی سپاه و... نمی تواند الگو قرار بگیرد. چون ایشان نه زعیم بودند و نه در وارد میدان جهاد شده است و همچنین زندگی سیدنا مسیح فقط در زندگی فردی و شخصی می تواند الگو باشد زیرا یک زاهد خلوت گزین بودند. اما در زندگی اجتماعی نمی تواند سرمشق واقع شود،زیرا سیدنا مسیح بیشتر خلوت گزین بودند.

۵- سیره نبوی صلی‌الله‌علیه‌وسلم حکایت از این می کند که کشتی تلاطم زده بشریت با تغییر سکان رهبری از نظام سرمایه داری به کمونیستی و یا از امپریالیستی به لیبیرالیستی به ساحل نجات نمی رسد و هرگز از مصیبت ها و تراژدی های جهان برون نمی رود؛ بلکه تنها راه نجات انسانیت بازگرداندن رهبریت جهان از دستان گنهکار و جنایتکار سران کفر به دستان پاک مسلمانان زیبا اندیش و معتدلی که در پرتو نور درخشنده قرآن کریم و سیره نبوی (علی صاحبها الف صلاۃ وسلام) حرکت می کنند می باشد. این ادعایی برخلاف واقعیت نیست، تاریخ سراسر مجد و عظمت مسلمانان را شاهد است.

۶- رابطه پیامبر با امت مانند یک پستچی نیست که رسالتش را اداء نموده و از صفحه ذهن پاک شود، بلکه رابطه ای گسترده تر از این است؛ رابطه قلب با قلب و احساس با احساس است. یکی دیگر از ویژگی های سیره نبوی این است که هر چه بیشتر مورد بررسی قرار بگیرد محبت صاحبش (صلی الله علیه وسلم) بیشتر در قلب جای می گیرد.

تا نسیم رحمت رحمان وزید /// نعمت حق در بر انسان رسید
از رسالت رحمتش تعمیم شد /// آدمیت زنده شد ترمیم شد

منابع:
۱- السیرة النبویة / دکتر سباعی
۲- نشریه ویژه دیدار سراسری دانشجویان اهلسنت با علما واندیشمندان
۳- آئین زندگی / علامه ابوالحسن ندوی ،ترجمه مفتی محمدقاسم قاسمی





آموزه‌هـای پیـامبر ﷺ در عرصـه ی سیاسـت و قـیادت

سعید درویش | طلبه فعلی عین العلوم گشت

نیازهای گوناگون و متعدد انسان، می‌طلبد تا برای برقراری تعادل بین این نیازها، حکومت تشکیل گـردد. پیـامبر اکـرم ﷺ نیـز پس از مبعوث شدن به پیامبری، بر اساس آیات الهی و برای اجرا نمودن قوانین وضع شده از جانب پروردگـار، در صـدد تشـکیل حکومت برآمد و در راستای ادامه و تحقق آرمان‌های اصیل حکومت اسلامی از تمامی امکانات و فرصت‌ها استفاده نمود و شیوه‌ای متفاوت از حکمرانان جوامع بشری آن دوره برگزید.
در سیره سیاسی ایشان و در تمامی مراحل دعوت، ابتدا اصولی همانند دعوت، انعطاف پذیری، گفتگو و... بر سـایر جنبـه‌ها مقـدم بود. عملکرد پیامبر در طول ۲۳ سال، عملکردی واقع گرایانه بوده و موفقیت آن هم از این روی است.

***

ضرورت حکومت اسلامی

از آنجـا کـه انسـان موجـودی اجتمـاعی و مـدنی اسـت، نیازهای گوناگونی از قبیل: نیازهـای عـاطفی، اقتصـادی، سیاسـی و اجتمـاعی، او را وا مـی‌دارد تـا بـه تأسـیس حکومت بپردازد. بر این اساس و در راسـتای تـأمین ایـن نیازها و قانونمند نمودن نیازهـای انسـان و اجـرا نمـودن قوانین وضع شده، اسلام و در رأس آن پیـامبر اکـرم ﷺ نیز اقدام به تأسیس حکومت اسلامی نمودند.

اسـتاد حسـن البنـا رحمه‌الله ، بنیان‌گـذار نهضـت اخـوان المسلمین می‌فرماید:

«جای شگفتی است کـه مارکسیسـت‌ها دارای حکـومتی باشند که اندیشه‌ی آن‌ها را شعار خود قرار دهد و دیگران را به آن فرا بخواند، و سرمایه‌ی زیادی را بـرای گسـترش آن در میان مردم هزینه نماید. و گروهـی از اندیشـه‌های «فاشیسم و نازیسم» پیروی می‌کننـد و آن‌هـا را مقـدس شمارند و در راه گسترش آن افکـار تـلاش نماینـد و بـه آن‌ها افتخار کنند، و همه‌ی مؤسس‌ها و ارگان‌ها را بـرای آمـوزش اندیشه‌هایشـان بسـیج کننـد. امـا مـا از وجـود حکومتی که پیام و رسالت دعـوت اسـلامی را بـر دوش بکشد، محروم بمانیم. حکومتی که همه‌ی جهات مثبـت حکومت‌های دیگر را دارا باشـد و جهات منفی آن‌هـا را کنار بگذارد و اسلام را به عنوان نظامی جهانی که همه‌ی راه حل‌های صحیح را برای بر طرف گردانیدن مشـکلات بشریت در اختیار دارد، معرفی نماید.»

این در حالی است که اسلام دعوت به «**حق و عدالت**» را قبل از پیدایش آن مکاتب، واجبی ضـروری ومسـئولیتی مهم و حیاتی بر دوش فرد و اجتماع قرار داده است.

***

اسلام و سیاست

استعمار غرب که سال‌ها بر ممالک اسلامی تسلط داشته، توانسته است نهال اندیشه‌ی بیگانه و خبیث و خطرنـاک «جدایی دین از حکومت» را در اندیشه و روان مسلمانان بکارد و اسلام را از نگاه غرب به دین بنگرد، دینی که بـه امور حکومت هیچ گونه ارتباطی نداشته باشد. بـه گمـان آنان این عقل بشری است که بر اساس تجارب و شـرایط متغیر، خود حکومت را سازمان دهی و اداره می نماید!
استعمارگران و مزدوران داخلی آنها همه تلاش‌های خـود را برای اثبات این اندیشه که: اسلام هیچ گونه ارتباطی با مسائل سیاسی و حکومتداری ندارد، به کار گرفتنـد و در مقابـل بزرگـان و اصـلاح‌گران و پیشـاپیش آن‌هـا اسـتاد حسن البنـا رحمه‌الله همـه‌ی تـلاش خـود را بـرای آمـوزش اندیشه - فراگیری و در برگیرندگی اسلام- به مسـلمانان به کار بستند. به عبارت دیگر ایشـان تـلاش نمودنـد، آن چـه را کـه در طـول ۱۳ قـرن – یعنـی پـیش از آمـدن استعمار به ممالک اسلامی- موضوعی ثابت و استوار بـود، دوباره به میان مردم بازگردانند. و آن عبارت بـود از ایـن که: اسـلام همـه‌ی عرصـه‌های قانون‌گـذاری و توجیـه و هدایت زندگی انسان را از تولد تا مـرگ –حتـی پـیش از تولد و پس ازمرگ- را شامل می‌گردد؛ زیرا اسلام در پـی ارتباط با کودکی که هنوز به دنیا نیامده و انسانی کـه بـه سرای دیگر سفر کـرده اسـت، دارای قـوانین و مقرراتـی است و در طول زنـدگی فـردی، خـانوادگی، اجتمـاعی و سیاسی،- از آداب طهارت و بهداشت، تا امامت و حکومت و مسـائل صـلح و جنـگ انسـان را تنهـا نمی‌گـذارد و رهنمودهایی را در مسیر او قرار می‌دهد.

***

اسلام پناهگاه بشر

علی رغم تمام ضعف‌ها و نارسائی‌هایی که مسلمانان به آن دچار هستند، آن‌ها تنها امت روی زمین هستند که رقیب غربیان در رهبری امت‌های جهان محسوب می‌شوند و تنها امتی هستند که دینشان آن‌ها را موظف نموده تا حرکت جهان را زیر نظر داشته باشند و جهانیان را بر اخلاق، کردار و تمایلاتشان محاسبه نمایند و به سوی فضیلت، تقوا، سعادت و رستگاری در دنیا و آخرت سوق دهند، و تا آن جا که توانایی دارند بین انسان‌ها و جهنم فاصله ایجاد کنند.

شاعر اسلام، دکتر اقبال لاهوری در قصیده بی‌نظیرش تحت عنوان «پارلمان ابلیس» این حقیقت را از زبان ابلیس این گونه بیان می‌کند: «من از هیچ حزب و جنبشی هراسی ندارم، اگر من هراسی دارم، هراسم از امتی هست که تا امروز شرارهای حیات و بلندپروازی در خاکسترش وجود دارد، امتی که دارای افرادی است که شبانگاهان از رختخواب‌هایشان فاصله می‌گیرند و سحرگاهان اشک بر رخسارشان سرازیر است. بر کارشناسان باهوش مخفی نیست، که خطر آینده و مصیبت فردا، اسلام است؛ نه کمونیسم.»

***

رسالت جهان اسلام

جهان اسلام تنها می‌تواند با همان رسالت خویش که بنیان‌گذارش به وی سپرده است و با ایمان و از خودگذشتگی در راه آن رسالت، به پا خیزد. رسالتی بس نیرومند، روشن و تابناک که جهان عادل‌تر، برتر و خجسته‌تر از آن را برای بشریت سراغ ندارد. این درست همان رسالتی است که مسلمانان در فتوحات نخست خویش حامل آن بودند. امروز از هر روزی دیگر عظمت این رسالت نمایان‌تر و درک آن آسان‌تر گردیده است و بر عکس، جاهلیت رسوا گردیده، نارسایی‌هایش عیان گشته و تنفر مردم از آن افزایش یافته است.

اکنون هنگام آن رسیده است که رهبری جهان از جاهلیت به اسلام انتقال یابد، مشروط بر این که جهان اسلام به پاخیزد و با اخلاص و عزم راسخ و شجاعت تمام، این رسالت را به آغوش گیرد و آن را به عنوان تنها رسالتی که می‌تواند جهان را از فروپاشی و نابودی نجات دهد، بپذیرد.

***

آمادگی روحی

جهان اسلام هرگز رسالتش را مظاهر تمدنی که اروپا بر جهان عرضه داشته است و با فراگرفتن زبان‌ها و آداب زندگی آن‌ها، به انجام نخواهد رساند؛ بلکه جهان اسلام رسالتش را با روح و قدرت معنوی به پایان خواهد رساند؛ پدیده‌ای که هر روز فقر و محرومیت اروپا از آن، رو به افزایش است.

علامه سید ندوی می‌گوید: «در شرایط کنونی وظیفه ی مهم رهبران اسلامی جهان، سازمان‌ها و دولت‌های اسلامی، کاشتن ایمان در قلوب مسلمانان، بر افروختن عواطف ایمانی، گسترش دعوت به سوی خدا و رسول و ایمان به آخرت با همان روش نخستین دعوت اسلامی است. در این مسیر از هیچ تلاشی نباید دریغ ورزند.»

***

آمادگی نظامی و تاکتیکی

وظیفه‌ی جهان اسلام و سیاست اسلامی بدین جا تمام نمی‌شود؛ اگر می‌خواهد پرچم دار رسالت اسلام باشد و رهبری جهان را به عهده گیرد، باید توانایی لازم و آمادگی کامل در علوم، صنعت، تجارت و فنون نظامی را داشته باشد و در تمام زمینه‌ها از غرب بی‌نیاز باشد، خوراک و پوشاکش را خود تهیه کند، تسلیحاتش را خودش بسازد، امور زندگیش را خودش بچرخاند، منابع زمینی خویش را خودش استخراج و بهره‌برداری کند، با افراد و دارایی‌های خودش حکومت‌هایش را اداره کند، با ناوگان‌ها و کشتی‌های خویش آب‌های اطرافش را بشکافد، با تانک‌ها، موشک‌ها و تسلیحات ساخت خودش با دشمنش مبارزه کند، صادراتش بر وارداتش افزایش داشته باشد و مجبور نباشد تا از غرب درخواست وام کرده و به اردوگاه‌های غربی بپیوندد.

***

همزیستی مسالمت‌آمیز

اصل همزیستی مسالمت‌آمیز از جمله اصولی است که در سیاست خارجی پیامبر ﷺ نقش مهمی داشت، اما در این زمینه سؤالاتی مطرح است که آیا اسلام در روابط خارجی خود اصل را بر جنگ قرار داده است، یا بر صلح؟ عده‌ای با استناد به بعضی آیات می‌تازند که اسلام تأکید به جنگ دارد تا صلح، که به نظر می‌رسد این عده دچار اشتباه شده اند، اما آیات زیادی داریم از جمله آیه‌ی ۲۰۸ از سوره‌ی بقره که بیان می‌دارد هدف غایی و نهایی اسلام دست‌یابی به صلح است، این چیزی است که در سیره‌ی پیامبر ﷺ هم کاملاً مشهود است؛ زیرا پیامبر ﷺ جنگ را به عنوان آخرین راه چاره می‌دیدند و وهله‌ی نخست دیپلماسی در حکم منادی و پیشاهنگی بود که رسالت اسلام را قبل از آغاز جنگ ابلاغ می‌کرد.

مسلمان می تواند سیره آن حضرت ﷺ را به عنوان بهترین الگو برای نجات بشر از ظلم سیاست های کاذبی که جز نیرنگ و فریب کاری چیزی در برنامه آنها یافته نمی شود، معرفی کرد.

منابع:

- مجموعه رسائل امام شهید حسن البنا
- کتاب شگفتی های اندیشه اقبال



اهمیت فراگیری علم تجوید

قاری محمدسپاهی | استاد صوت و لحن مدرسه دارالقرآن سراوان

«کِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَیْکَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطِ الْعَزِیزِ الْحَمِیدِ؛ این کتابی است که بر تو [ای پیامبر] نازل کردیم تا خلق را به امر پروردگارشان از تاریکی به سوی روشنایی خارج کند ، و به سوی راه شکست ناپذیر و ستوده». (ابراهیم/ ۱)

قرآن، کلام زیبای الهی، به عنوان پیام آخر، دربردارنده معارف بی همتا، در راستای سعادت و کمال آدمیان و ریسمان و حلقه اتصال عبد به معبود است ، هر که آن را فرا روی خود قرار دهد، به سوی بهشت می کشاند و هر که آن را پشت سر خویش نهد، به دوزخش براند و در این سرای فانی دنیا، تنها و یگانه مسیر و شاهراه نجات از گمراهی و ضلالت کلام زیبای الهی است و این کلام زیبا، درمان بزرگترین درد هاست، درد کفر، نفاق، تباهی و گمراهی که لازمه بهره بردن از این دریای بی کران، انس با آیات انسان ساز این کلام الهی است؛

در این فضای آلوده مادیات ، شایسته است در دریای بی کران معنویت قران کریم شنا کرد ، تا از پلیدی های دنیا پاک شد و این جز با انس مداوم با این کتاب آسمانی ممکن نیست. البته انس روحانی به یک باره پدید نمی آید، نیاز به مقدمات و ملزوماتی دارد که میل به این مهم را میسر می سازد. یکی از این ملزومات یادگیری قرائت صحیح، آشنایی با علوم مربوط به تلاوت قرآن، از جمله علم تجوید و در پی آن، تلاوت قرآن کریم می باشد که در این زمینه در جای جای قرآن نسبت به خواندن قرآن تاکید فراوان شده است.

در سوره مبارکه نمل خداوند به پیامبرﷺ می فرماید : «بگو که من مأمور به تلاوت قرآن شده ام» و در سوره مزمل امر به تلاوت قرآن به صورت ترتیل می نماید «و رتل القران ترتیلا » که در حقیقت لازمه تلاوت به صورت ترتیل دانستن علم تجوید می باشد.

هدف و اهمیت علم تجوید

۱. قرائت نماز: ضرورت و یادگیری علم تجوید از اینجا آغاز می گردد که هر مسلمانی در هر یک از نمازهای پنج گانه خود باید دو بار سوره حمد و یکی از سوره های قرآن را قرائت کند و علاوه بر این، تلفظ سایر اذکار نماز نیز باید به گونه عربی باشد؛ چنانچه حروف ، کلمات آیات و اذکار به طور صحیح تلفظ نشود، باعث تغییر در معانی و موجب بطلان نماز می شود .

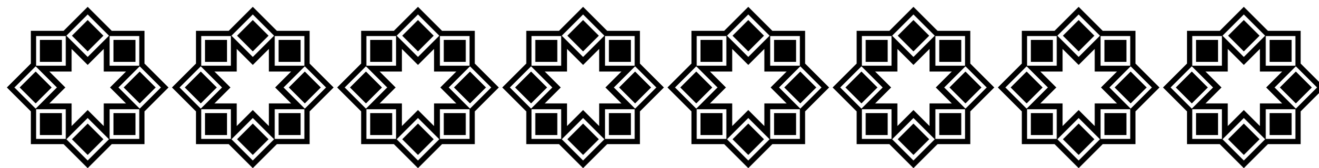
۲. مصون ماندن قرآن: مصون ماندن زبان از خطا، در مورد مخارج حروف و سایر قواعد که به صحت قرائت قرآن کمک می کند. در واقع قرآن کریم خود یک متن زبان عربی است که در فصاحت و بلاغت نظیری ندارد . مسلمانان در ترتیل کلمات و بیان زیبای آن ، بر اساس ترتیل پیامبر ﷺو اصحاب ایشان مقید بوده اند. این شیوه، بیان الگویی شد تا مسلمانان نسل به نسل تلاوت قرآن را فرا گیرند و در نهایت به موضوع علم تجوید تبدیل شود. یا به عبارتی علم تجوید عهده‌دار بررسی و تحلیل و آموزش این شیوه بیان شد. در حقیقت از آنجایی که تمامی زبان‌ها در طول زمان دچار دگرگونی می شوند و زبان عربی نیز از این تغییر مستثنی نبوده است، ولی خوشبختانه زبان قرآن به دلیل وجود علم تجوید از این تغییر محفوظ مانده است و همان گونه که خداوند در قرآن کریم فرموده است: «انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون» پس یکی از راه های حفظ قرآن یادگیری علم تجوید است .

۳. ترتیل: آشنایی با علم قرائت و تجوید این امکان را فراهم می کند تا قرآن هر چه زیباتر ، فصیح تر تلاوت شود تا تاثیر آیات بر قلب و جان انسان دو چندان شود. قدم اول برای عمل کامل به قرآن، آشنایی یافتن به قرآن است. در کشوری که بر اساس اسلام اداره می شود همه اشخاص باید قادر به خواندن درست قرآن کریم باشند.پس راه حصول به مرحله عمل کامل به قرآن ابتدا آشنایی به درست خواندن قرآن است که یادگیری علم تجوید می تواند زمینه رسیدن به اهداف والای قرانی و مقدمه برای تدبر، مفاهیم و تفسیر قرآن باشد.

۴. عدم مهجوریت: یادگیری علم تجوید ، تعلیم و تلاوت زیبای قرآن می تواند عامل بسیار مهم و اثر گذار برای بر طرف نمودن مهجوریت این کتاب آسمانی باشد. به طوری که خداوند در سوره الرحمن، تعلیم قرآن و تعلیم بیان را در کنار خلقت انسان به ذات خویش نسبت داده است .

زهد و تصوف ؛ راه نجات از فتنه ها

داود دهـواری - محمد دهـواری | طلبه فعلی منبع العلوم کوه ون سرباز



از آنجایی که بحث تصوف برای اکثر مردم و یا خیلی از طلاب موضوعی عجیب بشمار می آید و در این زمان پر از فساد و فتنه خیلی عجیبتر می نماید و در حالیکه امری مهم و ضروری است و برای عموم طلاب و علما واجب است لذا در باب تصوف چند جمله عرض می شود.

ابتدا باید دانسته شود که خود تصوف چیست؟
درحقیقت تصوف همان تزکیه‌ای است که در قرآن عظیم الشان ذکر شده است، یعنی پیش یک ولی کامل زانوی تلمذ زدن وهم صحبتی با او را اختیار کردن؛ چنانچه خداوند متعال می‌فرمایند «هُوَ الَّذِی بَعَثَ فِی الْأُمِّیِّینَ رَسُولًا مِنْهُمْ یَتْلُو عَلَیْهِمْ آیَاتِهِ وَیُزَکِّیهِمْ وَیُعَلِّمُهُمُ الْکِتَابَ وَالْحِکْمَةَ وَإِنْ کَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِی ضَلَالٍ مُبِینٍ» (جمعه،۲) ترجمه: او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می‌خواند و آنها را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می‌آموزد هر چند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند!

مراد از تزکیه اینست که نفوس انسان ها با بالاترین وبهترین اخلاق آراسته شوند. از تمام رذایل وجود خود را پاک و صاف کردن، ظاهر و باطن خود را یکی کردن ؛ چراکه اگر اگر ظاهر چیزی دیگر و در باطن چیزی دیگر باشد آن شخص دچار نفاق می شود.
پس ای برادر مسلمان من! قصد خداوند متعال از آفرینش انسان عبادت خالصانه برای اوست.
پس باید همه ما نسبت به تزکیه و اصلاح خود کوشا و در فکر باشیم؛ خصوصا برای اهل علم خیلی ضروری است که این راه مبارک را اختیار کنند. لذا در مقابل این برای تزکیه و اصلاح خود هم در فکر باشند و تمام رذایل واخلاق فاسده از قبیل غرور ، تکبر ، حسد ، بغض وکینه را از خود پاک کنند؛ چون تا زمانی که قشر علماء و طلاب تزکیه و اصلاح نشده و در وجود خود انقلاب نیاورده اند محال است در جامعه بتوانیم کاری انجام دهیم و این انقلاب نیز از راه تزکیه و تصوف و همنشینی و مصاحبت با بزرگان و اولیاءالله به وجود می آید.
امام شافعی رحمه‌الله می‌فرماید: از صحبت و همنشینی با صوفیان دو چیز آموختم:۱)الوقت سیف ان لم تقطعه قطعک ۲)نفسک ان شغلتها بالحق و الاشغلتک باالباطل.
ترجمه: سخن اول: وقت مانند شمشیر است اگر استفاده ی درست نکردی تورا قطع می نماید و سخن دوم اینکه: اگر وجود خود را در راه حق بکار بردی خوب است و گرنه تو را به باطل مشغول می سازد . یعنی وقت در حال گذر است اگر از وقت در راه خیر استفاده نکردی بیهوده خواهد گذشت و منافعت را قطع می کند. پس باید وجود خودت را به کاری مشغول سازی؛ اگر خود را به حق مشغول ساختی و در صدد صرف کردن اوقات خود در اسباب راحت و سعادت خود بودی، از وقتت به نفع خود استفاده نموده ای و اگر خود را به کار خیر مشغول نساختی به کارهای بیهوده و تلف کننده ی عمر مشغول خواهی شد .
به قول شاعر:

یک دم صحبت با اولیا بهتر از صد سال عبادت بی ریا



صلح حدیبیه ؛ فـــتح المبین

مرتضی سپاسی - مرادمحـمد گمـشادزهی
طلبه فعلی تعلیم القرآن شورشادی - زاهدان

بشریت در هر زمان بنابر فطرتی که دارد همواره دنبال جاه و مقام بوده است. چنانچه پیامبر گرامی اسلام ﷺ می فرمایند: «مَنهُومانِ لایَشبَعانِ مَنهومٌ علم و منهومَ مال» ترجمه: دو حریص و یا گرسنه هستند که سیر نمی‌شوند ۱.حریص علم ۲.حریص مال
به همین دلیل انسان همیشه برای کسب مال در تنش با هم نوعان خویش بوده است و گاهاً دیده شده که دچار درگیری و خـونریزی و کشتار نیز گشته‌اند. با آمدن انبیاء و تغییر مسیر بشریت، اتباع از خواهشات و شیاطین جنّی و اِنسی رو به زوال رفت زیـرا انبیـا بـه مثل نوری در مقابل تاریکی‌های ناشی جهالت و خواهشات بودند و توانستند جاه‌طلبان و دنیاپرسـتان را بـه عابـدان و زاهـدان واقعـی تبدیل کنند ، البته نه با زور شمشیر بلکه با فتح قلوب.

صلح حدیبیه و فتح قلوب

پیامبر اسلام ﷺ را می‌توان بارزترین نمونه برای فتح قلب‌هـا تا به امروز معرفی کرد زیرا امروزه بسـیاری از مستشـرقین و کفار بـا تحقیـق و نگـاهی ژرف در سـیره نبـوی و مطالعـه‌ی مناقب ایشان به اسلام گرویده‌اند کـه ایـن نیـز خـود فتحـی است بر قلوب بشر کنونی.

وجود و تاثیرگذار بودن ایشان در جامعه عـرب جـاهلی و بـه وجود آوردن انقلاب درونی در آنها خود گواه این امر است.

وقتی که ایشان در صلح حدیبیه با جمعیتـی تقریبـاً هـزار و پانصد نفره بدون تجهیزات جنگی احرام بسته و عازم بیت الله می‌شوند (در زمانی که هنوز مکه فتح نشده است و اهل مکـه مسلمین را به رسمیت نمی‌شناسند و معاملات و معاشرات را با مسلمین تحـریم کرده‌انـد) ، وقتـی کـه بـه نزدیکـی مکـه می‌رسند به آنهـا اجـازه ورود داده نمی‌شـود کـه بسـیاری از یاران پیامبر(ص) از این عملِ اهل مکه بسیار خشمگین شده و آثار ناراحتی بر چهره مبارکشان هویـدا می‌گـردد امـا بنـابر محبت و وابستگی که با نبی اکرم ﷺ داشتند هرگز لـب بـه سخن نگشودند. بعد از انجام معاهده با سهیل(شخصی کـه از جانب مشـرکین بـرای معاهـده آمـده بـود) و وضـع کـردن لایـحه هــایی که ظاهــراً علـیه مسـلمین هسـتند؛ از جملـه‌ی آنها ذکر نکـردن «بسـم الله الـرحمن الـرحیم» در ابتدای معاهده و خط زدن نام «رسول الله» از اوراق معاهده و بالاخص برگرداندن ابـو جنـدل، زمـانی کـه از قیـد کفـار بـا زنجیرها به گروه مسلمین ملحق شد... چنان تاثیر غیـر قابـل وصفی بر قلوب آنها گذاشت کـه فـوران آن را در گفتـه عمـر فاروق (رض) به وضوح می‌بینیم کـه فرمودنـد: «یـا نبـی الله! مگر ما بر دین حـق نیسـتیم؟ مگـر شـما نبـی آخـر الزمـان نیستید؟»

باز هم با وجود فوران خشم بخاطر اینکه مبادا پیامبر ناراحت شوند سکوت را بر ابراز احساسات ترجیح داده و اطاعـت امـر ایشان را با جان و دل پذیرا بودند.

صلح حدیبیه فتحی مبین

بعد از کُرنش اصحاب در مقابل اوامر نبی اکرم ﷺ، خداوند از صلحی که بظاهر علیه مسـلمین بـود بـه فتحـی مبـین یـاد می‌کند.

إِنَّا فَتَحْنَا لَکَ فَتْحًا مُبِينًا (۱) لِيَغْفِرَ لَـکَ اللَّـهُ مَـا تَقَـدَّمَ مِـنْ ذَنْبِکَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْکَ وَيَهْدِيَکَ صِـرَاطًا مُسْـتَقِيمًا (۲) وَيَنْصُرَکَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيزًا (۳) (فتح آیه ۱_۳)

صلح حدیبیه ؛ فتح المبین

«بی گمان برای تو فتح آشکاری مقرر کردیم، تا بیامرزد برای تو الله گناه گذشته و آینده ات را و تمام کند نعمت خود را بر تو و هدایت کند تو را به راه راست و تا نصرت کند تو را الله با نصرت و یاری قوی»

چنانچه بعد از این صلح بود که دگرگونی در حالات و سیر صعودی و انقلابی در زندگی صحابه ایجاد گشته و روز به روز بر تعداد اصحاب کرام افزوده می‌شد و می‌توان از آن به عنوان عاملی مهم در فتح مکه قلمداد کرد و همچنین اسلام آوردن شیر مردانی چون خالد بن ولید و عمرو بن عاص نیز از ثمرات این فتح می‌باشند که با مجاهدت‌های ایشان، شام و مصر فتح گردید.

ثمرات صلح حدیبیه

- به رسمیت شناختن مسلمین توسط اهل مکه
- اسلام آوردن بسیاری از سران اهل مکه و مقدمه‌ای برای فتح مکه
- رشد صعودی آمار مسلمین و افزایش جمعیت به بیش از پنج برابر در کمتر از دو سال
- دعوت دادن پادشاهان توسط پیامبر(ص) بعد از صلح حدیبیه

دیدگاه علما نسبت به صلح حدیبیه

امام ابن شهاب الدین زهری می‌فرمایند: هیچ فتحی بزرگتر از صلح حدیبیه قبل از آن نبوده است که مسلمین به آن دست پیدا کنند زیرا بعد از آن امنیت برگشته و آنها اسلحه های خود را بر زمین نهاده و صلح بین مسلمین و کفار جاری شده و گفتار بین مردم در مورد اسلام و مسلمین رواج پیدا کرد و مسلمین در سایه امنیت به دعوت خویش مشغول شدند و هیچ شخص عاقلی نبود که برای او اسلام معرفی شود و او آنرا قبول نکند.

منابع

۱.قرآن
۲.حدیث
۳.نبی رحمت
۴.سیرت مصطفی، جلددوم



معاویه بن ابی سفیان رضی‌الله‌عنهما
صحابی و یار با وفای رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم

بیت الله هوتی - ابراهیم بلوچی
طلبه فعلی مدرسه تعلیم القرآن شورشادی - زاهدان

پروردگار مهربان، برنامه و آئین رستگاری‌اش را به وسیله‌ی عده‌ای از بندگان برگزیده خود که همان پیامبران هستند ، برای جامعه‌ی بشریت فرستاد تا از ظلم و ستم و بت‌پرستی رهایی یافته و به یکتاپرستی و توحید دست یابند. پیامبران نیز تلاش می‌کردند تا از میان جامعه‌ی خویش افرادی را انتخاب نموده و آنان را بصورت ویژه تربیت کنند تا بتوانند آن برنامه‌ی انسان‌ساز را به تمامی نقاط جهان برسانند. این گروه از یاران پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وسلم به صحابه مشهور هستند که بخش عظیمی از وظیفه رساندن دین و آیین یکتاپرستی و هم‌چنین به دست آوردن فتوحات اسلامی در نقاط مختلف دنیا توسط ایشان صورت گرفته است.

یکی از این رادمردان تاریخ اسلامی حضرت امیر معاویه ابن ابی سفیان رضی‌الله‌عنهما می‌باشد که نه تنها در دوران حیات رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم نقش مهمی را در پیشرفت اسلام و قرآن به عهده داشت بلکه پس از آن نیز در دوران خلفای راشدین فتوحاتی را برای اسلام به دست آورد و اسلام را تا نقاط دور دست گسترش داد.

***

اهمیت دادن پدر و مادر در تربیت امیر معاویه رضی‌الله‌عنه

حضرت امیر معاویه رضی‌الله‌عنه فرزندِ عزیزِ سردارِ مشهور مکه مکرمه، حضرت ابوسفیان رضی‌الله‌عنه و مادر این بزرگوار حضرت هند رضی‌الله‌عنها بودند.

کنیه مشهور ایشان ابوعبدالرحمن است .پنج سال قبل از بعثت چشم به جهان گشودند .از همان دوران کودکی آثار نبوغ، بزرگی، وقار و صفات حمیده‌ای بر چهره‌ی مبارک ایشان هویدا بود.

حضرت امیر معاویه رضی‌الله‌عنه از جمله کسانی بودند که خواندن و نوشتن را خوب یاد داشتند و پدر و مادرشان برای تربیت فرزندشان از هیچ تلاش و کوششی دریغ نورزیدند .به ایشان علوم و فنون مختلفی را آموختند. در آن دوران سواد خواندن و نوشتن در میان عرب‌ها اصلا رواج نداشت و اکثر اعراب در تاریکی جهل و بی‌سوادی به سر می‌بردند اما حضرت امیر معاویه رضی‌الله‌عنه از جمله افراد انگشت‌شماری بودند که مهارت خواندن و نوشتن را آموختند. ایشان قبل از داخل شدن به دایره‌ی اسلام از شخصیت‌های ممتاز و دارای صفات نیک و اخلاق پسندیده‌ای بودند .علامه ابن کثیر رحمه‌الله درباره‌ی حالات قبل از اسلام امیر معاویه چنین می نویسد:

(و کان رییسا مطاعا ذا مال جزیل) ترجمه: سردار قوم خود بودند، مردم از دستورات وی اطاعت می‌کردند، از سرمایه‌داران به شمار می‌رفتند؛ و مورخ مشهور محمد ابن سعد در طبقات خویش می‌نویسند که حضرت امیر معاویه رضی‌الله‌عنه فرمودند که من قبل از عمرة القضاء مشرف به اسلام شدم اما از بیم پدرم هجرت نکردم؛ ایشان در فتح مکه به همراه پدر بزرگوارشان به طور رسمی به اسلام گرویدند.

حضرت معاویه رضی‌الله‌عنه در هیچ جنگی با کفار علیه مسلمانان همراهی نکردند (احد، خندق، حدیبیه).

حضرت امیر معاویه رضی‌الله‌عنه وقتی اسلام را لبیک گفتند که پدر ایشان (ابوسفیان) فرمانده کفار بودند که بر علیه مسلمانان می‌جنگیدند .حضرت امیر معاویه با وجود جوان بودنش باز هم بر علیه مسلمانان شمشیر نکشیدند و از این ماجرا چنین معلوم می‌شود که از همان ابتدا روشنایی نور اسلام در قلب ایشان جای داشته است.

***

اخلاق، رفتار و اوصاف حضرت امیرمعاویه رضی‌الله‌عنه

امیر معاویه تندیس مکارم اخلاق بودند. ایشان کسی هستند که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم وی را به لقب مهدی مفتخر گردانید .حضرت قتاده رضی‌الله‌عنه می‌گویند: اگر مردم اخلاق و کردار امیر معاویه را بنگرند بی اختیار

می‌گویند که مهدی و هادی همین شخص است . ایشان شخصیتی سیاستمدار، بسیار زیرک و از بهترین اصحاب متفکر، مدبّر و مدیری امین و بردبار و اسوه‌ی زهد و تقوا و خداترسی بودند.

***

رابطه ی امیر معاویه رضی الله عنه با رسول اکرم صلی الله علیه وسلم

بعد از اینکه حضرت امیر معاویه رضی الله عنه اسلام آوردند در خدمت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم ماندند و خیلی سریع در زمره اصحاب بلندمرتبه درآمدند و به علت اینکه در کودکی و جوانی فن خواندن و نوشتن را آموخته بودند و مهارت خاصی در این فن داشتند، رسول الله صلی الله علیه وسلم ایشان را مامور کتابت وحی قرار دادند و ایشان جزء اشخاصی است که وحی را تحریر کرده است و بعد از زید بن ثابت در رتبه دوم کاتبین وحی قرار داشتند که در خدمت رسول الله صلی الله علیه وسلم بودند . ایشان بجز از کتابت وحی، مسئول اطلاعات هم بودند .از محول کردن این دو مسئولیت بزرگ به ایشان توسط نبی کریم صلی الله علیه وسلم می‌توان به امانت‌داری و دیانت و عدالت ایشان اعتراف کرد.

***

دیدگاه رسول اکرم صلی الله علیه وسلم درمورد امیر معاویه رضی الله عنه

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم بنابر شفقت و مهربانی که نسبت به امیر معاویه رضی الله عنه داشتند در چندین جا برای ایشان دعای خیر فرموده‌اند که چند مورد را در اینجا ذکر می‌کنیم:

- اللهم اجعله هادیا مهدیا واهدبه (بار الها وی (حضرت امیر معاویه) را هدایت کننده و هدایت یافته بگردان و به وسیله‌ی وی مردم را هدایت بده)
- اللهم علم معاویه الکتاب والحساب وقه العذاب (بارخدایا به معاویه علم کتاب و حساب را نصیب بفرما و او را از عذاب جهنم محفوظ بدار)
- لاتذکروا معاویه الا بخیر (معاویه را یاد نکنید مگر بخیر)

حضرت امیرمعاویه رضی الله عنه مصداق حدیث رسول اکرم صلی الله علیه وسلم می‌باشند: اول جَیش من امتی یغزون البحرفقد اوجبوا (صفحات تاریخ گواهی می‌دهند که اولین شخصیتی که جنگ‌های دریایی را آغاز نمودند حضرت امیر معاویه رضی الله عنه بود.

***

غزوات امیر معاویه رضی الله عنه در کنار پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم

وقتی حضرت امیر معاویه رضی الله عنه اسلام را قبول کردند و دست بیعت با رسول الله صلی الله علیه وسلم دادند در تمام جنگ‌ها شرکت کردند بویژه در غزوه‌ی حنین، طائف و یمامه که در کنار رسول اکرم صلی الله علیه وسلم بوده و شمشیر خود را با خون کفار رنگین کردند، به خصوص در غزوه‌ی طائف به همراه پدر بزرگوارشان برای تبلیغ و جهاد خدمات شایانی انجام دادند و ابن اسود سردار قبیله‌ی اسود توسط ابو سفیان رضی الله عنه و تبلیغ امیر معاویه رضی الله عنه به اسلام مشرف شدند که پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم از این موضوع بسیار خوش حال شدند و مال غنیمت به آن دو بزرگوار بخشیدند.

***

شرکت درجنگ‌ها دوشادوش حضرت ابوبکر رضی الله عنه

حضرت امیر معاویه رضی الله عنه در کنار حضرت ابوبکر رضی الله عنه در جنگ با مانعین زکات و مرتدین از جمله کسانی بودند که شمشیر از غلاف کشیده و به میدان داخل شدند؛ برخی قائل براین هستند که مسیلمه کذاب به دست مبارک امیر معاویه رضی الله عنه به هلاکت رسیده است.

یکی ازمنتقدان عرب می‌نویسد که امیر معاویه تمایل و رغبتی به ریختن خون کسی نداشتند ولی در جنگ با مرتدین به دستور اسلام از دیگران سبقت گرفتند و هم چنین در جنگ شام شرکت داشتند که با تاکتیک‌های جنگی ایشان، فتح و پیروزی نصیب مسلمانان گشت .

امیرمعاویه رضی الله عنه از جمله مجاهدین خوش اقبالی بود که حضرت ابوبکر و عمر رضی الله عنهما ایشان را برای سرپرستی مسلمانان درجنگ انتخاب کردند.

***

وفات حضرت امیر معاویه رضی الله عنه

سرانجام حضرت امیر معاویه رضی الله عنه پس از چهل سال خلافت و امیری درسال ۶۰ هـ.ق در سن ۷۸ سالگی پس از تحمل یک بیماری سخت از این جهان رخت سفر را بربست و به سوی معشوق حقیقی و محبوب واقعی شتافت.

نمازجنازه ایشان توسط ضحاک بن قیس الفهری خوانده شد و مطابق قول صحیح در(باب صغیر) دمشق مدفون گردید.

***

منابع

- سیره‌ی ابن هشام جلد۲
- کنز العمال جلد۱
- بخار جلد ۱ چاپ دهلی
- حضرت معاویه و حقائق تاریخی
- معاویه را بهتربشناسیم





ما صحابه را دوست داریم؛ زیرا ...

۱ -الله تعالی از آنها راضی و خوشنود است، چنانچه می فرماید «لَقَدْ رَضِیَ اللَّـهُ عَنِ الْمُـؤْمِنِینَ إِذْ یُبَایِعُونَکَ تَحْتَ الشَّجَرَهِ فَعَلِمَ مَا فِی قُلُوبِهِمْ فَأَنزَلَ السَّکِینَهَ عَلَیْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِیبًا» الفتح /۱۸ ترجمه :خداوند از مومنان راضی گردید همان دم که در زیر درخت با تو بیعت کردند .خدا می دانست آنچه را که در درون دلهایشان(از صداقت و ایمان و اخلاص و وفاداری به اسلام نهفته) بود، لذا اطمینان خاطری به دلهایشان داد، و فتح نزدیکی (گذشته از نعمت سرمدی آخرت) را پاداششان کرد.

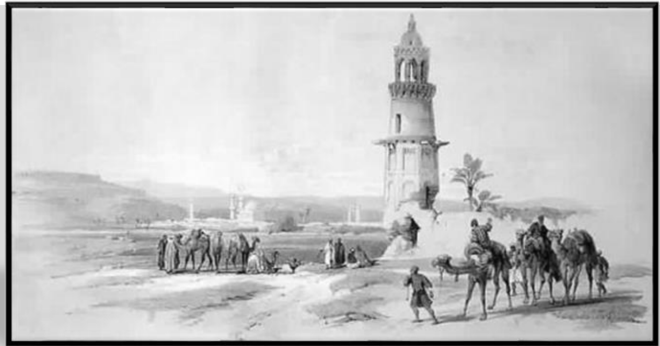
۲ -الله تعالی ایمان صحابه را تایید و آنها را به صفت ایمان متصف کرد؛ ارشاد الله تعالی است :«وَإِن یُرِیدُواْ أَن یَخْدَعُوکَ فَإِنَّ حَسْبَکَ اللّـهُ هُوَ الَّذِی أَیَّدَکَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِینَ» الانفال/۶۲ ترجمه :و اگر بخواهند تو را فریب دهند (و منظورشان از گرایش به صلح، مکر و کید باشد، باکی نداشته باش، چرا که) خدا برای تو کافی است .او همان کسی است که تو را با یاری خود و توسط مومنان (مهاجر و انصار) تقویت و پشتیبانی کرد .

۳ -ما با صحابه پیامبر محبت می ورزیم چونکه الله تعالی ایمانشان را تصدیق و آنها را رستگار قرار داد و به آنها وعده بهشت داد .دراین مورد در قرآن کریم آمده است :«لَـکِنِ الرَّسُولُ وَالَّذِینَ آمَنُواْ مَعَهُ جَاهَدُواْ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنفُسِهِمْ وَأُوْلَـئِکَ لَهُمُ الْخَیْرَاتُ وَأُوْلَـئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ * أَعَدَّ اللّـهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِینَ فِیهَا ذَلِکَ الْفَوْزُ الْعَظِیمُ» التوبه/۸۹-۸۸ ترجمه :ولی پیغمبر ومومنانی که با اوهستند با مال و جان خود به جهاد می پردازند همه خوبیها و نیکیها از آن ایشان است، و آنان بیگمان رستگارند .خداوند برای آنان باغهای (بهشت) را آماده کرده است که جویبارها در (زیر کاخها و درختان) آن روان است و جاودانه در آن می مانند این است پیروزی بزرگ و رستگاری سترگ. صحابه را دوست داریم چونکه خداوند آنها را مخاطب قرار داد و فرمود: «کُنتُمْ خَیْرَ أُمَّه أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنکَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللّـهِ» [آل عمران/۱۱۰] ترجمه: شما (ای پیروان محمد) بهترین امتی هستید که به سود انسانها آفریده شده اید (مادامی که) امر به معروف می کنید و نهی از منکر می نمایید و به خدا ایمان دارید. طبق فرموده امام المفسرین ابن عباس مقصود از "کنتم خیر أمه" کسانی اند که از مکه به مدینه هجرت کردند.

۴ -محبت صحابه رضی الله تعالی عنهم بخشی از ایمان ماست چونکه خداوند صحابه رسول خدا را دوست دارد . چنانچه می فرماید :«یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُواْ مَن یَرْتَدَّ مِنکُمْ عَن دِینِهِ فَسَوْفَ یَأْتِی اللّـهُ بِقَوْمٍ یُحِبُّهُمْ وَیُحِبُّونَـهُ أَذِلَّـهٍ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ أَعِزَّهٍ عَلَی الْکَافِرِینَ یُجَاهِدُونَ فِی سَبِیلِ اللّـهِ وَلاَ یَخَافُونَ لَوْمَهَ لآئِمٍ ذَلِکَ فَضْلُ اللّهِ یُؤْتِیهِ مَن یَشَاءُ وَاللّهُ وَاسِعٌ عَلِیمٌ» المائده /۵۴ ترجمه :ای کسانی که ایمان آورده اید هر کس از شما از آیین خود بازگردد خداوند جمعیتی را خواهد آورد که دوستشان می دارد و آنان هم خدا را دوست می دارند .نسبت به مومنان نرم و فروتن بوده و در برابر کافران سخت و نیرومندند .در راه خدا جهاد می کنند و به تلاش می ایستند و از سرزنش کننده ای هراسی به خود را نمی دهند .این هم فضل خداست، خدوانـد آن را به هرکس که بخواهد عطا می کند، و خداوند دارای فضل فراوان و آگاه است. حضرت حسن بصری رحمه الله می فرماید: قسم به خدا این آیه در مورد مردم "حروراء" نازل نشده است بلکه در مورد حضرت ابوبکر وعمر رضی الله تعالی عنهما و همراهانشان نازل گردیده است.

۵ -با صحابه بزرگوار رسول خدا محبت می کنیم زیرا خداوند آنها را مومن صادق معرفی کرده است، الله تعالی می فرماید :«وَالَّذِینَ آمَنُواْ وَهَاجَرُواْ وَجَاهَدُواْ فِی سَبِیلِ اللّـهِ وَالَّذِینَ آوَواْ وَّنَصَرُواْ أُولَـئِکَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَّهُم مَّغْفِرَهٌ وَ رِزْقٌ کَرِیمٌ» الانفال /۷۴ ترجمه :آنهایی که ایمان آورده اند و در راه خدا جهاد کرده و هجرت کرده و با مال و جانشان در راه خدا جهاد کرده اند و آنهایی که به پیامبر و مسلمانان پناه داده اند، یعنی انصار و اهل مدینه، اینها مومنین واقعی و بر حق هستند .یعنی مهاجرین و انصار.

۶ -صحابه را دوست داریم چون خداوند ایمانشان را معیاری برای صحت ایمان دیگر نسلها و اقوام و هدایتشان قرار داده و می فرماید :«فإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِی شِقَاقٍ فَسَیَکْفِیکَهُمُ اللَّـهُ وَهُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ» البقره۱۳۷ ترجمه :پس اگر آنان ایمان بیاورند همچنان که شما ایمان آورده اید و بدان چیزهایی که باور داشته باشند که شما باور دارید، بی گمان (به راه درست خدائی) رهنمود گشته اند، و اگر پشت کنند پس راه اختلاف و دشمنانگی را (با شما) در پیش گرفتند.



نگاهی گذرا به پیشروی اسلام در طول تاریخ

اسلم کدخدایی | دانشجوی دانشگاه فرهنگیان زاهدان

اسلام دینی است که خداوند متعال در کلام خود آن را تنها دین پذیرفته شده از سوی خود معرفی میکند و کسانی را که دینی غیر از اسلام بر می‌گزینند، از زیان‌کاران در آخرت معرفی می‌کند.

اسلام دینی است که به خاطر آن جان‌فشانی‌های زیادی صورت گرفته است و در طول تاریخ از راه‌های پر پیچ و خم و خطرناکی عبور کرده است.

حال می‌خواهیم بدانیم که اسلام چگونه دینی است و از زمان پیدایش خود تا عصر حاضر چه مراحلی را طی کرده است؟ دین اسلام، دین رأفت و عطوفت، دین مهربانی و عشق، و تنها دینی است که با روی آوردن به آن می‌توان به سعادت و پیشرفت دنیا و آخرت رسید. دین اسلام به انسان میگوید که به یکدیگر مِهر بورزید و محبت کنید. دین اسلام از طرف خداوند متعال توسط پیامبر اکرم حضرت محمد مصطفی ﷺ به انسانیت رسیده است.

پیامبر اسلام ﷺ به خاطر اسلامِ عزیز دردها و رنج‌های فراوانی را متحمل شدند. سفرها و جنگ‌های بسیاری را برای ابلاغ این دین به جان خریدند. پیامبر عزیزمان به خاطر اسلام، شکنجه‌هایی را تحمل کردند که هیچ پیامبری در طول تاریخ متحمل نشده است. یاران باوفای آن حضرت هم پا به پای ایشان، از اسلام عزیز حراست و پاسبانی کردند و در راه اسلام عده‌ی زیادی از آنان جام شیرین شهادت را نوشیدند.

چه عمارها و چه یاسرها و چه سمیه‌ها که به خاطر اسلام، شدیدترین شکنجه‌ها را تحمل کردند و شراب شهادت نصیبشان شد. چه عباس‌ها که به فجیع‌ترین روش‌ها به شهادت رسیدند تا نگذارند اسلام عزیز ما ذره‌ای تحریف یا نابود شود. و چه بلال هایی که سخت‌ترین شکنجه‌ها را در صحرای سوزناک عربستان متحمل شدند.

به راستی! چرا سران مکه و قریش آنقدر از اسلام هراس داشتند؟ مگر اسلام چه برنامه‌ای در پیش داشت؟

آری!!! آیین اسلام، به سعادت رساندنِ انسان و آزادی او از قید تعلق و بردگی را هدف خود قرار داده بود. برنامه‌ای که منافع سَران مکه را به خطر می‌انداخت. حقا که پیامبر عزیز ما و یاران باوفایش این دین الهی را تمام و کمال تحویل نسل‌های بعدی دادند. دین اسلام در نهایت اقتدار و قدرت، به حرکت خود ادامه می‌داد. در عصر خلفای اربعه مسلمانان برای اولین بار توانستند پا به قاره‌ی اروپا و آفریقا بگذارند و کشورهای زیادی از جمله ایران را فتح کنند. مسلمانان توانستند به کشور اندلس (اسپانیا) قدم بگذارند و در آنجا حکومتی پرقدرت و بزرگ تاسیس کنند و اسلام عزیز را در آن دیار گسترش دهند. به طوری که دوران حکومت مسلمانان در کشور اندلس یکی از باشکوه ترین دوره های تاریخ اسلام به شمار می‌رود که مسلمانان به آن افتخار می‌کنند. هنوز قطار اسلام داشت با سرعت به حرکت خود ادامه می‌داد تا اینکه به ایستگاه جنگهای صلیبی رسید. جنگهای صلیبی بین مسلمانان و مسیحیان بر سر تصرف بیت المقدس در اواخر قرن ۱۱ میلادی رخ داد و حدود۲۰۰ سال به طول انجامید. در اوایل جنگ‌ها مسیحیان توانستند سپاه اسلام را شکست دهند ولی در نبرد های بعدی، مسلمانان با تکیه بر ایمان خود و تحت فرماندهی دلاورمردی با ایمان و شجاع، به نام صلاح‌الدین ایوبی توانستند مسیحیان را شکست داده و بیت‌المقدس که قبله اول مسلمانان به شمار می‌رود را از چنگ مسیحیان برهانند، به طوری که تا هنوز مسیحیان از به یاد آوردن خاطرات آن جنگها، احساس رعب و وحشت می‌کنند و مو به تن آنها سیخ می.شود. مسلمانان در دوران حکومت عثمانی‌ها هم توانستند بزرگترین حکومت دنیای باستان یعنی امپراطوری روم شرقی یا بیزانس که در حال سپری کردنِ هزارمین/۱۰۰۰ سال از عمر خود بود را شکست دهند. قدرت و عمق معرفتی دین مبین اسلام چنان بالاست که وقتی مغول‌ها به دنیای اسلام از جمله ایران حمله کردند، توانست آنها را جذب خود کند و قوم مغول را که یکی از وحشی‌ترین قوم‌ها بود و از بیابان‌های سرزمین مغولستان به دنیای اسلام حمله کرده بود و قصد داشت تمام جهان را غارت و ویران کند، شیفته اسلام کرده و آنها را مسلمانانی واقعی سازد.

کم کم قطار اسلام به ایستگاه قرن ۲۱ (عصر حاضر) رسید! در عصر کنونی که ما در آن زندگی می‌کنیم و از آن با عناوینی مانند عصر تکنولوژی، عصر ارتباطات و عصر اتم یاد کرده می‌شود، دین اسلام از هر طرف، در ظاهر و از باطن آماج حملات دشمنان و کافران قرار گرفته است و دشمنان اسلام به خصوص دنیای غرب سعی می‌کنند که اسلام را از صفحه روزگار محو کنند. اکنون وظیفه من و تو ای جوان مسلمان نسبت به اسلام در عصر حاضر چیست؟ آیا این انصاف است که من و تو تن به فرهنگ پوچ و تُوخالی غرب داده و تحت تاثیر ظاهر زیبا اما درون پلیدِ فرهنگ غرب قرار گیریم؟ نه! بخدا قسم این انصاف نیست. اگر این کار را کنیم، چگونه می‌خواهیم در روز قیامت روبروی خداوند و پیامبر عزیزمان که به خاطر همین اسلام، سخت‌ترین شکنجه‌ها را متحمل شد قرار گیریموظیفه من و تو ای جوان مسلمان این است که در عصر حاضر از اسلام‌مان حراست کنیم و با جهادِ قلم و جهاد مال و جان از اسلام عزیز مواظبت نموده و خود را در دامان آن قرار دهیم و از بودن در کنار این آیین سعادت‌بخش افتخار کنیم.



اقتصاد اسلامی

یعقوب بارانزهی / کارشناسی مدیریت

اقتصاد یا ترازمان به یک نظام اقتصادی در یک یا چند منطقه جغرافیایی یا سیاسی خاص اطلاق می‌شود و در برگیرنده تولید، توزیع یا تجارت ومصرف کالاها و خدمات در آن منطقه یا کشور می‌باشد. یک اقتصاد مجموع کل ارزش معاملات میان فعالان اقتصادی نظیر افراد، گروه‌ها، سازمانها و حتی ملتهاست و به شکل ساده تری میتوان گفت اقتصاد اسلامی بر گرفته از تعریف بالا در چهار چوب قواعد اسلام و قرآن و سنت میباشد. اقتصادی زیبا، استوار و پابرجا، حقیقی و راستین.



همچنین ناگفته نماند که اقتصاد اسلامی در راستای تأمین عدالت اجتماعی برای نیل به سعادت بشر و رسیدن به جامعه معاملاتی فاضله‌ای که برگرفته از قرآن و سنت میباشد.

همچنین مثال زیبای اقتصادی در این راستا خلفای راشدین از جمله عمر بن خطاب رضی الله عنه می باشد. همچنین صاحبان خراج ویژگی هایی که همچنین هر کس که مسئولیت کارگزاری جمع‌آوری خراج را به عهده می‌گرفت باید دارای شرایطی معینی می بود و صاحب‌نظران او را به عنوان مشاور انتخاب کرده و در میان مردم به پاک‌دامنی و ترس از خدا مشهور و آگاه به مسائل می بوده است.

> آری! این چنین است اگر افراد خوب و مؤمن در منصب قدرت یا پایه های اقتصادی قرار گیرند، اقتصادی سالم ایجاد می شود.

همچنین در کلام خدا که برنامه ای روشن برای سعادت بشریت است آیه و رهنمودهایی شیوا و مشخص در مسائل گوناگون اقتصادی وجود دارند:

- «اَحَلَّ اللّهُ البیعَ و حرّم الرّبا» (بقره: ۲۷۵)؛ خدا بیع را حلال کرده است و ربا را حرام.
- «اوفوا بالعقود» (مائده: ۱)؛ به پیمان ها (و قراردادها) وفا کنید.
- «یا ایُّها الّذین آمنوا لا تأکلوا اموالکم بینَکم بالباطل الاّ ان تکونَ تجارةً عن تراضٍ منکم.» (نساء: ۲۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، اموال یکدیگر را به باطل (و از طرق نامشروع) نخورید، مگر این که تجارتی با رضایت شما انجام گیرد.
- «اوفوا الکیلَ اذا کلتم و زنوا بالقسطاس المستقیم ذلکَ خیرٌ و احسنُ تأویلاً» (اسراء: ۳۵)؛ و هنگامی که پیمانه می کنید، حق پیمانه را ادا نمایید و با ترازوی درست وزن کنید. این برای شما بهتر و عاقبتش نیکوتر است.
- «و اعلموا انَّما غنمتم من شی ءٍ فَاَنَّ للّهِ خُمُسه و للرسول و لذیِ القربی و الیتامی و المَساکین و ابن السبیل» (انفال: ۴۱)؛ هرگونه غنیمتی به دست آورید، خمس آن برای خدا و برای پیامبر و برای نزدیکان و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه است.

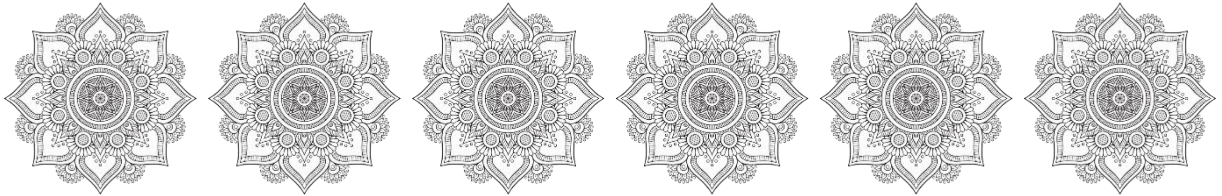
و آیه هایی دیگر که بیانگر این موضوع میباشند.

و در آخر این موضوع را باید دانست که بر خلاف اقتصاد غرب مثل کلاسیک ها (نظریه لیبرالیسم اقتصادی) و کینز ها (اقتصاد سیاسی) و.. که هر کدام اقتصاد را بر مبنای خودتفسیر کرده اند، در اقتصاد اسلامی نیز، در جهت تنظیم روابط اقتصادی بین انسان‌ها که برای تأمین نیازهای اقتصادی (یا رفع مشکلات اقتصادی) تدوین گردیده و با عدالت اجتماعی مرتبط می‌باشد. همچنین قواعدی کلی ارائه گردیده که در چهار چوب اجتماع و انسانیت میباشد.



شیخ الحدیث مولانا سیدمحمدیوسف حسین پور ؛ شهسوار عرصه علم و دین

مسعود پرکی | طلبه فعلی مدرسه دارالقرآن سراوان



شیخ الحدیث مولانا سید محمدیوسف حسین پور (رح) در سال ۱۳۰۹ ه.ش در شهر گشت متولد شد. درباره سرگذشت آن شهسوار بلند پرواز و خورشید صبح آفرین بلوچستان سخنها گفته اند. این عالم ربانی از آن دسته از عارفان و عالمان این سرزمین کهن بود که برای رسیدن به دیار مقصود و پی بردن به سر منزل حقیقت سالها با قدم توکل و اخلاص مراحل را طی نموده و از عقبات صعب سلوک گذر کرده است و از بین هزاران سالک که در این راه سخت ، جان و دل باخته اند ، این توفیق رفیق راه او شد که بتواند خدمت دین و مردم را بکند و از پستی و بلندی ها و نشیب و فراز های آن گذر کند و علمای زیادی را تربیت کند و کتب و رسالات فراوانی را از خود به یادگار بگذارد. شیخ الحدیث (رح) به مانند دیگر عالمان در زندگی خود دچار چالشهای بسیاری شده و با بسیاری از حوادث کوچک و بزرگ روزگار دست و پنجه نرم کرده است. راهی را که برگزیده بود به گونه ای آن را آغاز کرد که با عنایت و جذبه الهی و با همت و مدد مردان بزرگ طریقت آن راه را تا آخرین لحظات عمر ترک نکرد. شیوه زندگانی او و مراحلی را که در پی سلوک علمی طی کرده به راستی حیرت آور است و کمتر سالک و عالم و صوفی و عارفی توانسته تا این حد خود را مقیّد به آداب و احکام الهی کند و از ابتدا تا انتها در مدار قرآن و سنت نبوی باشد.

شناخت شیخ الحدیث برای همه کسانی که اهل علم هستند ضروری می نماید چرا که او نه تنها شیوه خاصی را در زمان خود دنبال می کرد بلکه عین اندیشه و سلوک او تاثیرگذار در همه کسانی بود که با او در ارتباط بودند؛ درسهایی که او برای شاگردان و محبّان خود بجای گذاشت ، میتواند برای همه علاقمندان به سلوک طریقت تاثیر گذار باشد. پذیرش و آشنایی کامل به قرآن و سنت نبوی از جمله ویژگی های این بزرگمرد است که امروز در کمتر کسی از علما یافت می شود.

شیخ الحدیث حضرت مولانا محمدیوسف حسین پور (رح) شخصیتی استثنایی در علم تصوف اسلامی بود؛ شوریده حالی بی مانند ، چرخنده ای نورآفرین ، یاری رساننده ای توانا و پیری دانا بود؛ کسی که حریم شریعت و طریقت را به خوبی می شناخت و به دریایی بیکران از حقیقت دین و قرآن راه یافته بود. او دانای بسیاری از رازهای قرآنی و واقف و قائل به دهها اسرار و تأویل آیات قرآنی بود. در حوزه های تفسیر و تأویل ، فقه و حدیث ، تصوف و عرفان بی نظیر دوران بوده است. امروز از میوه های خوش آب و رنگ و شکوفه های زیبای اندیشه او و از حالات روحانی و معنوی او که در رگهای زمان جریان دارد ، بهره می بریم و از فهم آن لذت بی اندازه می بریم؛ تاثیری که وی در زمان خود و پس از خود به جای گذاشت چنان گسترده است که روائح جانبخش آن و نفس گرم و پرشور او و هنوز هم از اسباب آرامش ذهن و قلب سالکانی است که جویای حقیقت اند.

آری! شیخ الحدیث حضرت مولانا محمدیوسف حسین پور (رح) در جهان امروزی یکی از عظیم ترین ستونهای فقه و حدیث بود. شیخ الحدیث از میان مردم بیرون آمد ، با مردم زیست و در میان مردم فرورفت و آثارش همچنان در میان مردم نمایان هستند. او نه وزیر ، نه وکیل ، نه قاضی و نه رئیس شد، نه مال کسی را با خود برد و نه خون کسی را به گردن گرفت، در جهان امروزی ساده تر و بی ادعا تر و پاکدامن تر از او کسی ندیده است. مردی بود به تمام معنای مرد؛ مودب و فروتن ، خوشرو و خوش سخن، صمیمی و بخشنده ، نیکوکار و بی اعتنا به مال دنیا و صاحبان جاه و جلال؛ شیخ الحدیث در تاریخ به عنوان یک عالم و عارف ربانی جایگاهی بلند دارد. آگاهی و سلطه او بر لفظ ، معنی و تفسیر کلام الله مجید . حدیث و علوم دینی رنگ و بوی خاصی به علم در زمینه های گوناگون بخشیده بود.

سرانجام این عالم ربانی و پیرو واقعی قرآن و سنت رسول اکرم (ص) در ۱۷ مهر ۱۳۹۶ه.ش در شهر کراچی پاکستان ، زیرعمل جراحی قلب دارفانی را وداع گفت. روحش شاد و یادش ماندگار.

نقش والدین در تربیت فرزندان

عبدالرزاق حسن زهی - عبدالرزاق دهـواری
طلبه فعلی مدرسه تعلیم القرآن شورشادی زاهدان

یکی از دغدغه های بسیار مهـم کـه خـانواده هـا همیشـه در طول تاریخ با آن گرفتار بوده‌اند تربیـت صـحیح فرزندانشـان بوده است. زیرا فرزندان هر ملت و جامعـه آینـده سـازان آن جامعه هستند. اگر تربیـت وتعلـیم آنهـا صـحیح باشـد پـس جامعه ای پیشرفته و فرهنگی غنی خواهیم داشت و سـریعتر می توانیم راههای رشد و بالندگی را بپیماییم.

کودکان را میتوان یک نوار خالی مثال زد که میتـوانیم درآن چیزهای مفید جایگزین کنیم و یا آنرا پـر از موسـیقی هـای ناجایز بکنیم. همینطور ذهن کودکان آماده بـرای یـادگیری چیزهـای خـوب و بـد خـانواده و اجتمـاع اسـت. و بهتـرین موقعیت برای تربیت صحیح فرزندان ایام کودکی است.

کودکان را نیز میتوان به جوانه ای تازه سـر بـر آورده تشـبیه کرد که برای رشد و ترقی و مثمر ثمر شدن نیاز به مراقبت و محافظت دارد تا بتواند به درختی ثمر بخـش تبـدیل گـردد. درخت برای رشد به آب ، خاک و آفتاب و مهم تر از همه به باغبانی نیاز دارد تا با دلسوزی و تدبیر و حکمت به رسـیدگی کند. همینطور نیاز کودکان به تعلیم و تربیـت و در کنـار آن معلمی دلسوز است که بتواند در تمام مراحل زندگی دنیـوی و دینی آنها را راهنمایی کند.

دین اسلام با هدیه گرانقدر خویش آن قانون نامـه بـی نظیـر وجود آنحضرت ﷺ توانسته اسـت راهکارهـایی بـی مثـل و مانـند بـرای تربیـت فرزنـدان ارائـه نمایـد. زیـرا در اسـلام همانطوری که پدر و مادر بر گـردن فرزنـدان حقـوقی دارنـد فرزندان نیز بر گردن والدین حقوقی دارنـد کـه بایـد رعایـت شوند تا بتوانند زندگی سرشار از مهر ومحبت داشته باشند.

برنامه ریزی های قرآن از زمان قبل از ازدواج اشخاص شـروع میشود و به آنان تعلیم میدهـد کـه بایـد بـا تضرع و زاری و استعانت از رب ذوالجلال در فکر همسر و اولاد صالح باشد تـا خنکی چشمان وی قرار گیرند آنجا که میفرمایند (رَبَّنَـا هَـبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا)

همچنین احادیث نبوی راهنمایی می کنند تا فرزندان نیکویی داشته باشـیم چناچـه رسـول گرامـی ﷺ میفرمایـد هرگاه قصد نزدیکی باهمسر خـویش را داشـتید ایـن دعـا را بخوانید (اللهم جنبناالشیطان و جنب الشـیطان مـا رزقتنـا)، بخاری، مسلم، ترمذی.

ترجمه: بارالها شیطان را ازما دور گردان و آنچه به ما عنایـت میفرمایی شیطان را از او دور گردان. خداوند بـه برکـت ایـن دعا فرزندشان را از اثرات شیطان محفوظ می دارد. از این جا معلوم میشود تربیت فرزندان از زمان وجود آنها در رحم آغاز می شود.

«حقوق فرزندان بر والدین»

یکی از حقوق فرزندان بر والدین بعـد از تولـد گفـتن اذان در گوش راست و اقامه در گوش چپ میباشد تـا اینکـه قبـل از رسیدن دعوت شیطان به او دعوت رحمـن بـه او برسـد. و در روز هفتم سنت عقیقه را بجای بیاورد یعنی گوسفندی بـرای فرزند دختر و دو گوسفند برای فرزند پسر قربانی کند و ایـن خود شکریست برای نعمتی که به آنها عطا شـده اسـت و بـا عقیقه فرزند خود را از آفات و حوادث در امان نگه می‌دارند.

علامـه قـاری در جـایی میفرمایـد: هرکسـی کـه میخواهـد فرزندش در بزرگسالی نافرمان نشود به هنگام طفلی بـرای او عقیقه کند. البته عقیقه مستحب است و یکی از مـوارد مهـم در بحث تربیت فرزندان مسمی کردن آنهـا بـه اسـامی نیکـو میباشد. پیامبر اکرم ﷺ میفرمایند: فرزنـدانتان را بـه اسـم انبیاء نامگذاری کنید و محبوب تـرین اسـم هـا نـزد خداونـد عبدالله و عبدالرحمن است؛ بر ذمه والدین ازحقوق فرزنـدان ختنه کردن پسر ها میباشد که بهترین موقـع آن روز هفـتم است.

«تربیت ایمانی»

تربیـت ایمـانی از زمـان لـب گشـایی آغـاز میشـود وکلمـه توحید(لا اله الا الله) اولین چیـزی باشـد کـه بـه او آموختـه میشود.

بنابر گفته نبی اکرم (ص) : (افتحوا علی صـبیانکم اول کلمـة لااله الا الله) یعنی اولین چیزی که به آنها تعلیم داده میشـود برای سخن گفتن(لا الـه الا الله) باشـد. تـا بتوانـد زنـدگی در جهت این کلمه عظیم و براساس توحید داشته باشد.

تعلیم دادن و آگاه ساختن آنان از احکامات قرآن یکی دیگر از حقوق فرزندان بر والدین میباشد تا راههای خیر وشر را تشخیص داده وعامل برحلال و باز آمده از حرام شده و زندگی آرام و نیکو زیر سایه اسلام ناب محمدی داشته باشند.

امام غزالی (رح) در احیاء العلوم خودبه اینکه کودکان را قرآن مجید و احادیث نبی اکرم و واقعات بزرگان و بعضی از احکامات دینی تعلیم داده شوند توصیه نموده است.

والدین درتربیت صحیح وادب کردن فرزندان خود از هیچ کوششی نباید دریغ ورزند چنانچه پیامبر اکرم (ص) میفرمایند: هیچ پدری به فرزندش هدیه‌ای بهتر از ادب خوب نداده است.

والدین موظفند فرزندان را از رفتارهای بد و پرخاشگری باز دارند که در ذیل به چند مورد اشاره خواهد شد.

«عادت‌هایی که کودکان باید از آن ها بز حذر داشته شوند»

۱.دروغگویی: زیرا پیامبر اسلام دروغ گویی را یکی از خصلت های چهار گانه ی منافق قرار داده است. وفرموده اند: ازدروغ جدا پرهیز کنید چرا که دروغ بطرف گناه هدایت می کند و گناه به جهنم می کشاند، شخصی که پیوسته دروغ بگوید ودنبال دروغگویی باشد بالاخره نزد الله کذاب و دروغگو نوشته می شود.

۲.دزدی: یکی از خصلتهای زشتی که در بسیاری از کودکان دیده می‌شود بواب بازی گوش بودنشان دزدی است که اگر همان ابتدای امر جلوی آن گرفته نشود پیامدهای جبران ناپذیری در پی خواهد داشت. خانواده ها لازم است که از ابتدا دزدی را در ذهن کودکان یک خصلت کثیف وقبیح عنوان کرده وامانت داری و اهمیت حقوق شهروندی را برای آنها بیان کنند و محبت و امید و خوف الهی را در دل آنان

۳.فحش و بدگویی: استعمال الفاظ رکیک و زشت یکی دیگر از خصلت هایی هست که بیشتردر فرزندان خانواده هاییکه از دین وفرهنگ عقب مانده اند، دیده می شود. ودوعامل را می توان به عنوان عوامل عمده در بروز چنین خصلتی در کودکان ذکر کرد. ۱.اولیا و بزرگان خانواده این الفاظ زشت را برای کودک و یا برای دیگران بکار می برند. ۲.مجالست با افراد فاسد و بدگو و همراهی با آنان. پیامبر (ص) بدگویی را مذمت نموده و در این مورد فرموده اند (سباب المسلم فسق و قتاله کفر) (صحیح بخاری) بدگویی به مسلمان فسق و قتال با او کفر است.

۴.بی بند وباری و ویلگردی: این خصلت بیشتر از سنین۱۵سال به بالا شروع می شود زیرا با بالغ شدن فرزندان وهمنشینی با افرادی غیر از افراد خانواده باعث تغییر نگرش و خود باوری وخودبینی در جوانان شده و تغییرات چشم گیری در زندگی آنها رخ می دهد اگر والدین برنامه ریزی برای آینده ی فرزندان نداشته باشند گاها دیده می‌شود که بعد از این ایام کودکان با فرهنگ های کثیف غربی آشنا شده و بطرف آنها میلان پیدا کرده وخود را شبیه آنان قرار داده اند. اگر والدین کودکان خود را در ایام کودکی با احکامات اسلامی وفرامین الهی آشنا نموده اندوکودک با آنها انس حاصل کرده است پس آنها در این وقت برای تربیت اولادشان دچار مشکل نخواهند شد.

در پایان این را بگوییم که کودکان سرمایه های گرانبها و امید های آینده هستندکه با تعلیم و تربیت صحیح به آینده سازان مبدل میگردند وگوی غلتان زندگی فردا دردست کودکان امروز خواهد بود بیاییم با تربیت صحیح آنان افرادی فرهنگی و سالم تقدیم جامعه بکنیم.



ترک دعوت ؛ مرگ تدریجی امت

یونس درازهی – ارسلان سپاهی
طلبه فعلی مدرسه تعلیم القـرآن شورشادی - زاهدان

سنت خداوند بر این است که بعد از خلق آسمان‌ها و زمین و مابین آنها موجودی را از گِل بدبویی بیافرینند و آن را با نفخه‌ی خود بیاراید و بدان عزت و کرامت بخشد و آن را جانشین خویش سازد.
خداوند متعال بعد از آن که انسان را آفرید ، علم آنچه را که به آن نیاز داشت را نیز به او آموخت. پس فرستادن انبیاء (ع) برای آگاه ساختن انسان به آنچه که نیازش بود و دعوت بسوی نور هدایت آغاز شد.

مفهوم دعوت

قبل از هر چیز باید فهمید که لفظ دعوت دارای معنای عام است دربرگیرنده‌ی معانی متعددی می‌باشد و منحصر به موعظه و نصیحت نیست! همانگونه که در اذهان عموم پروریده شده است هریک از موعظه‌های جهاد ، تعلیم و تعلم و .... را می‌توان بخشی از دعوت قلمداد نمود و گفت: که هر یک از این شعبه‌ها با دعوت رابطه‌ی عموم و خصوص مطلق دارند و هر یک مناسب با شرایط و حالات آن مکان صورت گرفته و اجرا می‌شوند؛ به طور مثال: (وقل لعبادی یقول التی هی احسن)- ۵۳ بنی اسرائیل -ترجمه: «بگو ای پیامبر! برای بندگانم که (در پاسخ به کفار) چنان سخنی بگویند که (به اعتبار اخلاق) بهتر باشد»
در این آیه مبارکه مسلمانان از تشدّد و گفتن کلام تند با کفار منع شده‌اند و مراد از آن، این است که بدون ضرورت به آنها سختی روا داشته نشود.
در خیلی از موارد به وسیله موعظه و در خیلی از موارد با مجادله صحیح و بعضی مواقع با قتال می‌توان شوکت کفر را مغلوب و عزت اسلام را غالب کرد اما کوتاهی و سهل‌انگاری در هر یکی از شعبه‌های دعوت می‌تواند زیان‌های عظیمی را برای اسلام ناب داشته باشد پس صاحبان اصلی دعوت به سوی حق، انبیاء (ع) هستند و افراد این امت؛ بالخصوص علما از حیث نیابت از انبیاء (ع) نیز این امر را به ارث برده‌اند. پس ضرورت بر این است که روش انبیاء (ع) را در احیای این امر بصورت عملی به کار برند.

روش و آداب دعوت پیامبران

باید دانست که دعوت بایستی همراه با خیرخواهی باشد بطور مثال اگر شخصی، فردی دیگر را در یک امر نامشروع دید و آن شخص را از روی عناد و مچ‌گیری منع کرد، آن شخص نه تنها از آن عمل باز نمی‌آید بلکه برای انجام عمل قبلی‌اش اصرار می‌ورزد. خداوند متعال، حضرت موسی و هارون (ع) را با اینکه فرعون از روی کفر و سرکشی به نهایت گمراهی رسیده بود، امر فرمودند: (فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى) طه ۴۴ «بافرعون سخن نرم بگویید شاید بفهمد یا بترسد»
در اینجا خداوند متعال به سخن گفتن با نرمی دستور دادند. همچنین دعوت سایر انبیا (ع) به همین شکل بوده است. حضرت نوح (ع) با اینکه اکثر عمر مبارک خویش را در دعوت الی الله سپری کردند در حالی که قومش در جواب خیرخواهی‌اش می‌گویند: «إِنَّا لَنَرَاكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ «(همانا ما تو را در گمراهی آشکار می‌بینیم) در این جا حضرت نوح(ع) که از اسوه‌های صبر و اخلاق برای داعی هستند در مقابل جواب آنها می‌فرمایند: «قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ» اعراف۶۱ (ای قوم من، من گمراه نیستم، بلکه رسول و قاصد پروردگار جهانیان می‌باشم) با جوابی نرم به قوم خویش می‌فهماند که خیرخواه آنهاست. افرادی که در مقابل داعی قرار می‌گیرند گوناگون هستند و قبلا در مورد این که شرایط دعوت نیز گوناگون است ذکر کردیم. پیامبر اسلام (ص) نیز در مورد کفار چنین امر شدند «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ» مجادله ۹ (ای پیامبر (ص) با کفار و منافقین جهاد کن و با آنها با تندی بر خورد کن) در حالی که در آیه قبلی حضرت موسی و حضرت هارون (ع) دستور به گفتن سخن نرم با متکبر عصر خویش که فرعون باشد داده شدند. پس اخلاقِ دعوت بستگی به موقعیت آن دارد و می‌توان اخلاق دعوت و موعظه را با اخلاق دعوت جهاد از هم تفکیک کرد. با همین تدبیر حکیمانه و تعلیم الهی، پیامبران توانستند در مسیری گام بگذارند که صراط مستقیم است و قوم خویش را نیز در همین مسیر سوق دهند و کسانیکه خویش را راهرو راه انبیاء می‌پندارند و بر آن نیز ادعا دارند، شیوه و روش نیز همین است پس در تمام ابعاد دعوت و برای پیشبُرد آن باید شیوه‌ای نبوی را بکار برد.

علت ترک دعوت و راه درمان آن

یکی از اموری که جامعه اسلامی از آن می‌نالد و آن را از هدف اصلی رهانده است، فرقه‌گرایی و ظهور فرَق جدید و همچنین اختلاف در میان علماء است که آنها را از مسیری که کما حقه باید طی شود، تا اندازه‌ای فاصله داده است که هر یکی در پی ترویج فرقه و نظریات شخصی خویش است که اینگونه مجادلات و مباحثات نه تنها مثمر ثمر نبوده بلکه وقفه‌ای بر دعوت صحیح ایجاد می‌کنند. دین اسلام در چنان لحظات حساسی قرار دارد که افراد مشمول آن در حال مغلوبیت از ناحیه کفار قرار گرفته و نیاز دارند که افرادی آنها را متوجه هدف اصلی خود بکنند. در حالی که افراد صاحب امر خودشان نیز از امر صحیح فاصله دارند و خودشان مشغول یکدیگر هستند و با چنان کلمات تند یکدیگر را مورد هجوم قرار می‌دهند که الله (سبحانه و تعالی) آنرا در مقابل یهود نیز منع کرده است: «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ

إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ » طه ۴۴ (مجادله نکنید با اهل کتاب مگر با روش صحیح و بهتر) (البته ناگفته نماند که صحیح و بهتر بودنش بستگی به حالت مناظره دارد) و در اینجا خداوند متعال روش دعوت را به امت می آموزاند که اگر نیاز به مجادله با اهل کتاب شد با روش و اسلوبی مناسب با آنها مجادله کنید که روش خوب هم با دلایل است و هم با اخلاق، اخلاقی که طرف مقابل متأثر گردیده و با دلایل قانع گردد (اگر طالب حق باشد). این روش مجادله با اهل کتاب است اما روش مجادله با مسلمانان باید خیلی بالاتر و با روشی بسیار خیرخواهانه‌تر صورت گیرد. ابتدا باید تمام مراحل صورت گیرد و اگر دیگر مرحله‌ای باقی نماند سپس مناظره صورت گیرد «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» اسراَ ۱۲۵ (بخوان بسوی پروردگارت با سخنانی پخته و نصیحت نیکو و مجادله کن با آنها به نحوی که بهتر باشد) در آیه فوق مراحل دعوت بیان گردید که ابتدا باید با روشی خیرخواهانه به سوی حق دعوت داده و در آخر با روشی نیکو مجادله شود. اما متاسفانه مجادلات رایج امروزه با چنان روشی صورت می‌گیرد که اگر طرف مقابل قصد قبول کردن حق را داشته باشد از آن گریزان می‌شود. ناگفته نماند که مجادلات صحیح نیز در این عصر موجود است و سخن ما از اکثریت می‌باشد که همین روش بین انسان با دعوت اصلی فاصله می‌اندازد. مناظرات صحیح خود دعوت بشمار می‌آیند (اما با رعایت شرایط آن)



حضرت علامه مفتی محمد شفیع عثمانی (رح) اسباب عدم تأثیر اصلاح و دعوت را در این زمان دو چیز بیان فرموده اند: ۱. اینکه قلوب مردم به علت فساد زمانه و کثرت امور حرام عموماً سخت و از آخرت غافل شده‌اند و توفیق قبول حق کم شده است. ۲. عموماً از انجام وظیفه امر به معروف و نهی از منکر و دعوت به سوی حق غافل شده است. عوام بجای خود، احساس این ضرورت در میان علماء و صلحاء هم خیلی کم شده است و این تصور غالب شده است که فقط اصلاح اعمال خویش کافی است اگر چه اولاً همسر، برادران، دوستان و احباب به هر گونه گناهی مبتلا باشند.

عواقب ترک دعوت

همانگونه که انجام امورات انسان را به کمال می‌رساند، به همان اندازه ترک آنها باعث ضعف می‌شود. اگر آن امر، امری فراگیر باشد پس عقوبت آن به همان اندازه فراگیر خواهد شد. انجام دادن دعوت اسلامی اگر چه وظیفه تک تک افراد امت به شمار می‌آید، علاوه بر آن باعث ترقی دین مبین اسلام می گردد و اگر از این امر فاصله گرفته شود فتوحات اسلامی نیز منقطع می‌گردد همانگونه که امروزه مشاهده می‌شود. امام سید ابوالحسن الندوی (رح) می‌فرمایند: خداوند در کنار بعثت حضرت رسول (ص) امتش را نیز به کار دعوت مبعوث کردند، تا هم در حیات و بعد از ارتحال ایشان تا قیامت این مسئولیت را به عهده بگیرند و جهانیان را به سوی حق فرا خوانند (ندای اسلام) در سنن ابن ماجه ۴۰۰۴ از حضرت عایشه (رض) روایت شده است که از آن حضرت (ص) شنیدم که فرمودند :امر به معروف و نهی از منکر کنید قبل از اینکه دعا بکنید و دعایتان قبول نشود (همانگونه که امروزه مشاهده می شود).

ترک دعوت عذاب‌های دنیوی را نیز در بر دارد که در این صورت دعا کارساز نمی‌شود. حضرت حذیفه بن یمان از آن حضرت (ص) روایت می کنند که فرمودند : سوگند به ذاتی که جانم در دست اوست باید امر به معروف و نهی از منکر بکنید، (در غیر این صورت) نزدیک خواهد بود که خداوند عذاب خود را بر شما فرود آورد و آن گاه شما (برای نجات خود) به درگاه خدا دعا می‌کنید و دعای شما مورد قبول واقع نگردد.

به هر اندازه‌ای که از دعوت اسلامی فاصله گرفته شود به همان اندازه از شأن و شوکت اسلام ناب کاسته می‌شود.

بی توجهی به امر دعوت، نا آگاهی نسبت به اسلام را در بر دارد. و اگر بر ادوار تاریخ نظر افکنده شود پی می‌بریم که علت سربلندی امت بر پا داشتن این امر الهی بوده است. به عنوان نمونه صلاح الدین ایوبی در زمانی که مسلمانان تا اندازه‌ای غافل از این امر بودند، همت والای خود را در اذهان آنان پرورانید و توانست با دعوت بزرگ که جهاد مبین باشد، عزت از دست رفته مسلمین را دوباره در خاک فلسطین و سایر نقاط عالم بالا ببرد. همچنین نمونه‌های دیگری از این قبیل ابرمردان در تاریخ اسلامی یافت می‌شود که اگر بخواهیم به آن بپردازیم خود مبحثی مفصل خواهد شد. اما هنگامیکه از این امر مهم فاصله گرفتیم و دلبسته دنیا گشتیم، هدف نیز تغییر کرد و فتوحات منقطع گشته و مغلوبیت حاکم شد. به عنوان مثال، خاک‌هایی که مسلمانان آنها را با خون خود به دست آورده بودند و اسلام را غالب بر ادیان و مذاهب گردانیدند، با ترک این امر و تغییر روش صحیح، از دست مسلمانان خارج شدند مانند: اندلس و ... !

ترک این امر به هر روش که باشد (جهاد، موعظه، تعلیم و تعلم و....) هم عذاب الهی را در بر دارد و هم ذلالت دنیوی و اخروی که خود قهر الهی به شمار می آید.

ای غنچه خوابیده چو نرگس نگران خیز
کاشانه ما رفت به تاراج ، غمان خیز
از ناله مرغ چمن از بانگ اذان خیز
از گرمی هنگامه آتش نفسان خیز

نصایح ارزشمند برای طلاب ارجمند

◂ در گفتگو با مولانا اســحاق ســپاهی (مدیریت محترم مدرسه دارالقـرآن سـراوان)

با عرض سـلام خـدمت شـما اسـتاد بزرگـوار مولانـا اسـحاق سـپاهی ؛ از وقتـی کـه بـرای گفتگـو بـا مـا گذاشـته بسـیار سپاسگزاریم. به عنوان اولین سوال میخواهیم از اسباب ترقی مدرسه دارالقرآن سراوان بدانیم.

؟ مهم ترین سبب پیشرفت و ترقی مدرسه دارالقـرآن بـه نظر شما چه چیزی بوده است؟

✓ **مولانا اسحاق سپاهی:** السلام علـیکم؛ در ابتـدا بنـده از تلاشهای شما عزیزان بـرای تهیـه ایـن مجلـه (مجلـه نسـیم اسلام) تشکر میکنم و از این کار زیبای شـما ابـراز رضـایت و خوشنودی دارم.

در پاسخ به سوال اول شما، بـه نظـر بنـده مهمتـرین سـبب موفقیـت مدرسـه دارالقـرآن سـراوان ، سـرلوحه قـرار دادن آموزش قرآن و کلاسـهای روخـوانی و حفـظ قـرآن و برنامـه ریزی در این مورد میباشد. همچنین اتحاد و صمیمیت بـین مدیر و مدرسین و همکاری و همفکـری در امـور آموزشـی و تربیتی توسط همه اساتید در ترقی و پیشـرفت ایـن مدرسـه بسیار موثر بوده است.

؟ با توجه به مطالعات خویش ، از چه کتبی بیشـتر متـاثر شده اید برای طلاب پیشنهاد می کنید؟

✓ **مولانا اسحاق سپاهی:** کتابهای علامه سید ابوالحسن علی ندوی رحمه‌الله که توسط مفتی محمدقاسم قاسمی (حفظـه الله) و مولانا عبدالقادر دهقان ترجمه شده، بیشترین تاثیر را برای بنده داشته است.

همچنین پیشنهاد میشود کتاب نبـرد ایـدئولوژیک ، ارزیـابی تمدن غرب ، خود را دریابیـد ، آئـین زنـدگی ، صـحنه هـای تکان دهنده در تاریخ اسلام ، نگاهی بـه تـاریخ ایـران بعـد از اسلام ، تزکیه و احسان ، تحفۀ العلماء ، هدیه ای به خواهران (تالیف مولانا عاشق الهی بلنـد شـهری) مـورد مطالعـه قـرار گیرند.

؟ با توجه به گذشته درخشان بلوچستان و وجود شخصیت های برجسته علمی که خدمات دینی بسیاری داشته اند؛ چه عواملی را سبب رشد و برخواستن مجدد چنـین شخصـیت هایی از بین طلاب کنونی می دانید؟

✓ **مولانا اسحاق سپاهی:** تاریخ بلوچستان گواه است علمای برجسته ی آن که خدمات ارزنده ای انجـام داده انـد ؛ در دو بُعد علمی و معنوی دارای کمال و شایستگی بوده اند؛ یعنـی هم عالم ششریعت در علوم معقول و منقـول بـوده انـد و بـر عموم مردم زمان خودشان تسلط علمی داشته انـد و هـم در بُعد معنوی اهل عرفان ، اصلاح و تزکیه بوده انـد. آنهـا مـورد اعتماد قاطبه مردم زمان خودشـان بودنـد و در آن زمانـه بـه خوبی درخشـیده انـد و خـدمات فراوانـی انجـام داده و آثـار ماندگار از خود به جا گذاشتند. طلاب عزیز ما نیز ، امـروز راه و رمز موفقیت آنان در اهتمام به این موارد هست.

؟ شـما از شـاگردان خـاص و برگزیـده مولانـا عبـدالعزیز ساداتی رحمه‌الله بوده اید؛ میخواهیم از زبان شما با شخصیت ، فعالیت ها و خدمات ارزنده دینی و فرهنگی ایشان در جامعه آشنا شویم.

✓ **مولانا اسحاق سپاهی:** با توجه به اینکه بنده چندین سال افتخار همراهی و شاگردی مولانا عبـدالعزیز سـاداتی رحمه‌الله را داشته ام، ایشان یکی از علمای برجسته، متّبـع سـنت، حـق گو، نترس ، مردمی و بسیار متواضع که بـر زنـدگی سـاده بـا امکانات اندک قانع بودند و اکثر اوقات خـود را بـه تـدریس و تعلیم در دارالعلوم سراوان – زنگیان یا تبلیغ و سـخنرانی یـا فیصله شرعی و حل و فصل اخـتلاف مـردم مشـغول بودنـد. ایشان با بدعات و رسومات قومی و محلی و شـرکیات کـه در آن زمان رایج بود به شدت مبارزه کردند و دارالعلـوم زنگیـان – سراوان که هم اکنون یکـی از مـدارس قـدیمی و مشـهور بلوچستان است ، با مـدیریت فرزنـد ارجمنـد ایشـان مولانـا عبدالصمد ساداتی فعالیـت میکنـد و یادگـار مانـدگار مولانـا عبدالعزیز ساداتی می باشد.

؟ به نظر شما برای ارتقای سطح علمی و فکـری طـلاب و دانش آموختگان علوم دینی چه باید کرد و چه پیشنهاداتی دارید؟

✓ **مولانا اسحاق سپاهی:** با توجه به اینکه عصر کنونی عصر سواد ، دانش ، اینترنت و شبکه های اجتماعی است ، طـلاب عزیز ما علاوه از کسب علم و دانش در مدارس علـوم دینـی ، همزمان باید در مـدارس دولتـی و دانشـگاه هـا مشـغول بـه تحصیل باشند تا سبب ارتقای سطح علمی شود و نسـبت بـه عموم مردم باید عالم ترین و دانـاترین باشـند. مـردم نیـز در مقابل علم و دانش و عمـل مخلصـانه تسـلیم میشـوند و سـر تعظیم فرود می آورند.

؟ وضعیت فرهنگی – دینی مردم سراوان را چگونه ارزیابی میکنید؟

✓ **مولانا اسحاق سپاهی:** اوضاع علمـی ، دینـی و اجتمـاعی مردم سراوان با توجه فعالیت دوازده مدرسه علوم دینی فعال و شبانه روزی و مرکز جماعت تبلیغ کـه در زمینـه اصـلاح و تزکیه غموم مردم فعال می باشد و همچنین فعالیت چنـدین دانشگاه با رشته های متنوع و دبیرستان های مـوفقی ماننـد دبیرستان نمونه شهید مطهری که در سال تحصیلی جاری با قبولی هفده نفر در رشته پزشکی خـوش درخشـید و دیگـر دبیرستان های موفق ، به لطف خداوند رضایت بخش اسـت و متولیان فرهنگی جامعه اعـم از قشـر حـوزوی و دانشـگاهی جهت بهبود اوضاع سراوان نقش بسزایی دارند.

اما مشکل اقتصادی و امرار معاش مردم به خاطر بسته بـودن مرز و عدم برنامه ریزی درسـت بعضـی عوامـل و سـازمانهای ذیربط مشکل مهم مردم سراوان است که ان شاءالله با درایت

نصایح ارزشمند برای طلاب ارجمند

◄ در گفتگو با مولانا اسحاق سپاهی (مدیریت محترم مدرسه دارالقرآن سراوان)

و استفاده صحیح و مناسب از نعمت مرز توسط مسئولین مربوطه ، امید است تا حدی از این مشکل معیشتی مردم کاسته شود.

؟ مولانا ابراهیم دامنی ﷫ از اساتید شما در دارالعلوم حقانیه ایرانشهر بوده اند؛ از خصوصیات و شخصیت این عالم ربانی برای ما بیان کنید.

✓ **مولانا اسحاق سپاهی:** مولانا ابراهیم دامنی ﷫ که بنده مدت شش سال در دارالعلوم حقانیه از محضر ایشان و اساتید بزرگوار دیگر استفاده نمودم ، یکرنگی و عدم سیاسی کاری در امور دینی ، حقگویی و صداقت و نداشتن طمع از کسی بود. ایشان دارای منطق قوی در دفاع از مذهب و عقیده بودند.

؟ انگیزه شما از تاسیس دارالقرآن و اسم گذاری با این عنوان چه بود؟

✓ **مولانا اسحاق سپاهی:** انگیزه تاسیس دارالقرآن و فعالیت در محور قرآن و نام گذاری با این عنوان این بود که مولانا سیدعبدالعزیز ساداتی ﷫ زمانی که در دارالعلوم زنگیان در خدمت ایشان بودم، همیشه تاکید و توصیه به فعال نمودن شعبه قرآن در مدرسه داشتند و نیز مولانا مفتی محمدقاسم قاسمی (حفظه الله) که در بند روحانیت مشهد با ایشان بودم، اکثر توصیه و سفارش در مورد تجوید قرآن و آموزش صحیح قرآن در مدارس داشتند و این ذهنیت برای بنده به وجود آمد که دارالقرآن را جهت تعلیمات قرآنی خصوصا در مقطع ابتدایی و مقدمات تاسیس و فعال نمایم.

همچنین با تجربه ثابت شده و مشاهده گردیده است، اکثر مدارس که تنزل پیدا کرده اند و تضعیف یا تعطیل شده اند ، در اثر کم مهری و کم لطفی در حق قرآن و عدم اهمیت و دقت کافی در فعال نمودن کلاس های آموزش قرآن بوده است.

اکنون نیز مدارسی که فعالیت چشمگیری دارند به برکت فعال بودن کلاس های قرآن و حفظ این مدارس بوده است.









ردی بر اسلام ستیزان

عبدالغنی سپاهی | دانشجوی رشته مشاوره

پیروان دین اسلام به عنوان دینی که بیشترین گرونده از سایر ادیان و مکاتب را دارد ، و همچنـان رو به افزایش هستند. معمولاً افرادی که آشنایی بادین اسلام نداشته اند، پس از آگـاهی از آمـوزه هـای متعالی ، منطقی و انسان ساز این دین، آن را آئینی کامل و جامع برای سـعادت دنیـا و آخـرت خـود می یابند و به اسلام مشرف میشوند. اما در این میان کسانی هستند که از قبل نظرات منفـی درمـورد اسلام داشته و حتی علیه اسلام فعالیت داشته اند، اما در نهایت در برابر حقانیت و منطـق روشـن آن سر تعظیم فرود آورده اند. از اینگونه افراد در طول تاریخ بسیار می توان یافت و در سالهای اخیـر نیـز نمونه های بسیاری از آنها وجود دارد. چند سالی است که به دلیل حمـلات تروریسـتی تروریسـتهای تکفیری چه در جهان اسلام و چه در کشورهای غربی ، موج اسلام هراسـی و اسـلام سـتیزی تشـدید شده است. دولتها ، و رسانه های تندروی غربی به بهانۀ این حملات ، همۀ مسلمانان را به خشـونت و تروریسم متهم می کنند، در حالی که بیشترین قربانیـان تروریسـم تکفیـری ، خـود مسـلمانان بـوده اند. در هر مذهبی و در هر جای دنیا، شما می توانید تنـدروهایی را پیـدا کنیـد. متاسـفانه رسـانه‌ها و رادیو و تلویزیون غرب ، فقط همان یک درصد از تندروها را به مردم نشـان می‌دهنـد و تـاثیر آنهـا را بزرگنمایی می کنند و اغراق بیش از حد میکننـد. مسـلمانان ملتـی حـق جو،صـلح طـلب و متعـادل هستند.اگر غیر مسلمانان بیشتر آموزه های اسلام را مطالعـه بکننـد، بیشـتر زیبایی‌هـای ایـن دیـن آسمانی را خواهند دید.

با وجود همه تبلیغات سوء که علیه دین اسلام انجام میشود ، اگر پا بر روی تعصبات جاهلانـه خـود بگذارند و آنها را کنار بزنند، خواهند دید که اسـلام دینـی زیبـاو بسـیار جـامعی اسـت کـه تـاریخ و معیارهای بزرگی دارد.اسلام دینی است که کتاب بی مثالی همچون قرآن دارد. اسلام دینی است کـه پیامبری چون محمد مصطفی(ص) دارد که رحمتی بر همه جهانیان است. اسلام به ما می‌آموزد کـه در زمان رفاه و آسایش و در زمان سختی از همدیگر حمایت کنیم. اسلام به شخص آرامـش درونـی و خرد عطا می‌کند و زندگی را سرشار از خیر خواهی و انسانیت میکند. اسلام دیـن مهربـانی استاسـلام دینی است که خیر خواهی برای تمام بشریت میخواهد، اسلام دین رافت و رحمت است.اسلامی دینی است که برای تمام کار های روزانه ما و شما برنامه وقانون دارد. اسلام دینی است که بشریت را درس مهربانی نسبت به هم نوعان خود و تمام مخلوقات میدهد.اسلام به عنوان آخرین و جامع ترین دین، با وجود همه تبلیغات منفی علیه آن ، همچنان راه خود را به قلوب بشریت باز می کند و تعداد بیشتری از جویندگان راه حق به آن گرایش پیدا می کنند، به طوری که روزانه شاهد مسلمان شـدن هـزاران مرد و زن هستیم.دین اسلام،دین اعتدال و صلح است . دین اسلام ناجی تمام بشریت است.

تکرار اندیشه غربیان

علی سابکزهی | دانشگاه سیستان و بلوچستان

یکی از عوامل مؤثر در انحطاط جوامع اسلامی: خودباختگیِ فرهنگی ، مُدگرایی و تقلید کورکورانه از جامعه‌ی خودشیفته و خودباخته غرب است . گویا جوامع اسلامی نمی‌خواهند برای نطق و کلام ، پیشرفت و ترقی ، اختراع و اکتشاف و پوشش و خوراکِ خود اندیشه کنند و زحمت تفکر و برنامه‌ریزی را به جوامع غربی واگذار نموده‌اند و از آنها تقلیدی که خود مصداقِ خودباختگیِ فرهنگی است، دارند و اگر چنانچه تفکر نمایند آن هم تکرار اندیشه‌های دیگران است و با این اندیشه‌هاست که ژست روشنفکری و اندیشمندانه را به خود می‌گیرند، حال آنکه این فقط تکرار اندیشه و عقاید دیگران است.

حال اگر به گذشته‌ی پرافتخار خود نگاهی گذرا بیندازیم همین جامعه و امّت اسلامی را خواهیم دید که در برابر بزرگترین تمدّن‌ها و امپراطوری‌هایِ صاحب زَر و زور و تزویر و بی‌عدالتی گردن خم نکرده بلکه آنها را شیفته و مبهوت فرهنگ و افکار خودش ساخته است. همین امت و تعلیمات ناب محمدی‌اش بود که زمانی بشریّت را از پرستش مُردگان، چوب و درختان، چهارپایان، خورشید ، ماه و ستارگان به طرف عبادت پروردگار جهانیان رساند و ندای یکتاپرستی و وحدانیّت را در مقابل رستم‌ها و یزدگردهای زمان، باوجود اینکه اسباب تنعّم و تن‌پروری درمیان آنان موج می‌زد، طنین‌انداز کرد و هرگز تسلیم افکار غیر توحیدیِ جوامع زمان جاهلیت نشدند بلکه به آن اعتقادی که با سرشت‌شان پیوند خورده بود، فخر می‌ورزیدند. زمانی که از هویت آنها سوال می‌شد، خود را با تفاخر تسلیم شده در برابر رب کائنات معرفی می‌کردند و این چنین بیان می‌داشتند: (اللهُ ابتعثنا....)

ما قومی هستیم که حضرت دادارِ مطلق ما را مبعوث نموده است. ما آمده‌ایم تا شما را از جورِ ادیانِ منسوخ شده به مسیر عدل و سراسر لطفِ اسلام راستین بیاوریم.

آری! آنها حلاوت و شیرینی اسلام را چشیده بودند و تاثیراتِ تعالیم ناب محمدی(ص) را در زندگی خود مشاهده کرده و آن را به بهترین شکل در جامعه پیاده نمودند.

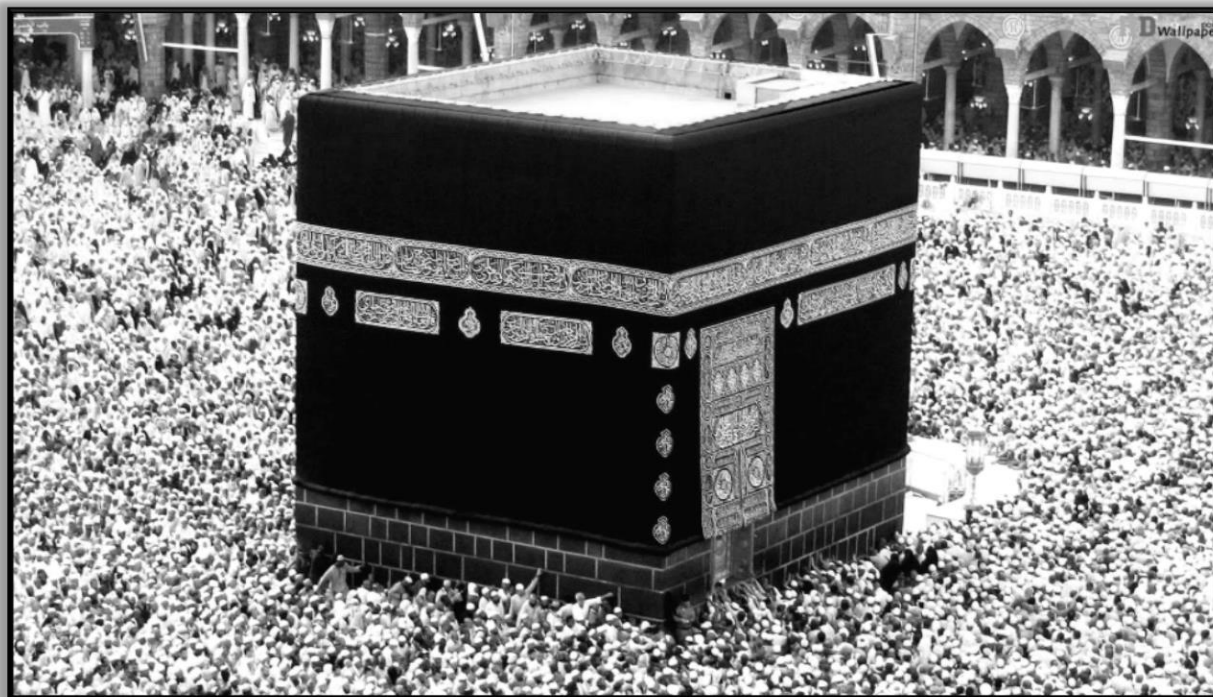
آری! ما بودیم که درس تهذیب و تمدن را با آموزه‌های آسمانیِ ناب اسلام به انسانیّت معرفی می‌کردیم و زمانی حرف اول را در جهان بیان می‌کردیم و در برابر دنیا، حکومتی واحد و عادلانه داشتیم. سبحان الله!

بله! اسلام آن است و هیبت اسلام نیز همان. اما ای مسلمانان! کجایید که عزت ، هیبت ، شوکت و غیرتمان را دوباره به دست گیریم؟!

اکنون تنها راه نجاتمان از این گذرگاه تاریک و پریشان آن است که هویت و جوهرِ خودیِ خویش یعنی اسلام را دوباره جان بخشیم و از این آفت خطرناک "غرب‌زدگی" اجتناب ورزیم؛ که اگر این چنین شد کامیابی، سعادت ، فلاح ، رستگاری و عزت با ماست.

اسلام را با گذشته‌اش و با آموزه‌ها و راهکارهایش قضاوت کنید نه با مسلمانان مُدگرا و خودباخته‌ی فرهنگ منحطّ غرب...

به امید بازگشت فرهنگ غنی و ناب اسلامی.



حـــج ؛ مظهر اقتدار و وحـدت مسلمانان

عبدالحق سپاهی | طلبه فعلی اشاعت التوحید سراوان

حج ، مجموعه‌ای از مناسک معنوی و سراسر حکمت است که مسلمانان از سراسر جهان برای تجدید میثاق با معبود خـود گِـرد هم می‌آیند.
حج ، مظهر اقتدار ، عظمت ، وحدت و یکپارچگی امت اسلامی است و جمـع شـدن امـت مسـلمان چنـان تـرس و رعبـی در دل رهبران کفر انداخته است که تمام سعی و تلاش خود را برای کمرنگ کردن این مراسم اسلامی بـه کـار مـی گیرنـد و بـا انتشـار شبهات و سوالات اشتباه و غیر قابل قبول سعی در ایجاد بدبینی و دور کردن مسلمانان از این فریضه الهی دارند.

می گویند چرا به حج برویم در حالی که همسایه‌مان از گرسنگی نای نفس کشیدن ندارد؟ بهتر نیست پولمان را به فقیران هدیه دهیم؟

در پاسخ به این شبهه واهی و سوال اشتباه باید بگوییم: مشکل اصلی این قبیل افـراد کـه سـوالاتی از ایـن دسـت را مطـرح می‌کنند دلسوزی برای فقیران و گرسنگان نبوده و نیست بلکه آنها با اصل دین اسلام دشمنی و ستیز دارند.
دین اسلام ، دین جامع و کاملی است و به فکر فقرا و نیازمندان نیز بوده است ، اگر ثروتمندان جامعـه اسـلامی طبـق حکـم خداوند زکات اموال خود را پرداخت نمایند هیچ فقیری باقی نمی‌ماند.
بسیار جای تاسف است که این افراد مغرض این حس منفی را نسبت به افـراد عیـاش یـا توریسـت‌های خوشـگذران کـه در مناطق گوناگون توریستی و سواحل زیبای غرب و شرق عالَم به اسراف و هوسرانی مشغولند، به کار نمی‌برند و چنین احساس بدی را در قبال اینگونه افرادِ دور از حریم انسانیت ندارند اما وقتی که نوبت به حج می‌رسد حس دلسوزی‌شان گُل می‌کنـد و سفر حج را باعث و بانی اینِ همه فقر می‌دانند!
مطرح کردن چنین سوالاتی بخاطر این است که هنوز فلسفه اصـلی حـج را درک نکرده‌انـد و آن را صـرفاً یـک سـفر عـادی شمرده‌اند در حالی که به هیچ وجه اینگونه نیست. در واقع فریضه حج به عنوان یک فریضه واجب باید همانند هر عمل دینی دیگر انجام شود و موانع سیاسی و اقتصادی نباید جلوی انجام این عمل مهم و واجب را بگیرد.



محمد صلاح ؛ پادشاه مسلمان آنفیلد

شهاب الدین مالکی | طلبه فعلی مدرسه دارالقرآن سراوان

محمد صلاح (به عربی محمد صلاح غالی) متولد ۱۵ ژوئن ۱۹۹۲ میلادی ، بازیکن تیم ملی مصر و باشگاه لیورپول انگلستان است. وی در پست های هافبک هجومی و حمله و وینگر راست بازی میکند و سابقه عضویت در تیم های مغاولون العرب ، بازل ، چلسی ، فیورنتینا ، رم و لیوپول را دارد. صلاح سابقه ۵۷ بازی و ۳۳ گل ملی در کارنامه خود دارد. محمد صلاح در بازی مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۸ با گل پنالتی در دقیقه ۹۵ باعث صعود مصر به جام جهانی پس از ۲۸ سال شد.

صلاح یک مسلمان است و معمولا بعد از هر گل زدن سجده می کند و شکر خدا را به جا می آورد. "طرفداری" در یک مصاحبه جالب به نقل از دیلی میل در جزئیات جالبی از زندگی محمد صلاح می گوید: زمانی که محمد صلاح در مصر بازی می کرد از منزل پدرش دزدی شد و محمد برای اینکه در آن شرایط کنار خانواده اش باشد به خانه برگشت. دزد پس از ۲ روز دستگیر شد؛ با وجود اینکه پدر محمد صلاح می خواست مراحل قانونی را پیگیری کند ، محمد درخواست کرد که پرونده را کنار بگذارند و در عوض به آن دزد مبلغی پول داد تا زندگی اش را سر و سامان دهد؛ او به آن فرد کمک کرد تا یک شغل پیدا کند؛ محمد صلاح گفته بود دلیل این بوده که می خواسته همه فرصت زندگی داشته باشند.

محمد صلاح گلزن مصری تیم لیورپول که دیدار نیمه نهایی لیگ قهرمانان اروپا ۲۰۱۸مقابل تیم "آ اس رم" فوق العاده ظاهره شده بود با درخشش خود باعث شد هواداران سرخ پوش لیورپول را پست سر خود بسیج و جهان را شیفته خود کند، این ستاره گلزن توانست آنچه را که غیرقابل تصور تلقی می شد ممکن سازد و در دیدار حساس نیمه نهایی لیگ قهرمانان اروپا در آنفیلد برای سرخ پوشان لیورپول ۲ گل و ۲ پاس گل به اسم خود ثبت کند و پایه گذار پیروزی ۵ بر ۲ تیمش باشد.

اهمیت این شاهکار فراتر از مستطیل سبز است و درخشش محمدصلاح به عنوان یک مسلمان باعث شد هواداران انگلیسی لیورپول سروده ای را در وصف دین اسلام زمزمه کنند با این مضمون که: اگر او (محمدصلاح) پندگل دیگر بزند من هم میخواهم مسلمان شوم ، من میخواهم مثل او (محمدصلاح) در مسجد بنشینم چون او این را دوست دارد.

محمد صلاح ستاره مسلمان لیورپولی با درخشش خود در مستطیل سبز تاکنون توانسته همچون مبلغی بزرگ دهها نفر را مسلمان کند و او تنها مبلغی است که این شاهکار را بدون اینکه منبری داشته باشد انجام دهد.

از گوشه و کنار جهان اسلام ...

چه تعداد مسجد در جهان وجود دارد؟ / Darulquran.ir

آمارها تا سال ۲۰۱۶ میلادی درباره تعداد مساجد در جهان نشان می دهد که حدود ۴ میلیون مسجد در آن وجود دارد اما برخی آمارها نیز این تعداد را سه میلیون و ۶۰۰ هزار تا سه میلیون و ۸۵۰ هزار باب تخمین زده اند. توزیع مساجد در جهان در میان کشورهای مختلف، متفاوت است.

آمار مساجد در اندونزی

بر اساس گزارش ها، کشور اندونزی بیشترین مسجد را در جهان دارا است. این کشور همچنین نزدیک به ۱۳ درصد کل مسلمانان جهان را دارد. در کشور اندونزی، حدود ۸۰۰ هزار مسجد وجود دارد.

آمار مساجد در هند

کشور هند دومین کشور از نظر تعداد مسجد در جهان است که تعداد مساجد آن، به ۳۰۰ هزار باب می رسد.

آمار مساجد در بنگلادش

کشور بنگلادش، سومین رتبه را در تعداد مساجد در جهان دارد. این کشور، ۲۵۰ هزار مسجد دارد.

آمار مساجد در پاکستان

کشور پاکستان، چهارمین کشور در جهان است که بیشترین تعداد مساجد را دارد. در این کشور، ۱۲۰ هزار مسجد وجود دارد.

آمار مساجد در دیگر کشورهای جهان

کشورهای مصر، ۱۰۸ هزار، عربستان ۹۴ هزار، ترکیه بیش از ۸۲ هزار، ایران بیش از ۷۰ هزار ،مراکش ۴۱ هزار و چین نیز ۳۹ هزار مسجد دارند. بر اساس گزارش ها، بقیه مساجد در دیگر کشورهای جهان قرار دارند. سرشماری های بسیاری نیز در جهان نشان می دهد که آمار مساجد در جهان رو به افزایش است.

پاکستان به لحاظ تعداد حافظان قرآن در رتبه نخست جهان قرار دارد

امسال بیش از ۱۲۰ هزار طلبه پسر و دختر از مدارس مختلف پاکستان موفق به حفظ قرآن شده‌اند و ۷۳ هزار از آنان در امتحانات حفظ قرآن تحت نظارت مرکز وفاق المدارس العربیه شرکت می‌کنند.

براساس این گزارش، تاکنون یک میلیون و صد هزار طلبه پسر و دختر تحت نظارت وفاق المدارس العربیۀ موفق به حفظ قرآن شده‌اند./iqna.ir

---

اعجوبه‌ی مسلمانِ آنفیلد، لیورپولی‌ها را مسلمان می‌کند!

علی عالی خبرنگار ورزشی در توئترش نوشت؛ به خانه پدرش دستبرد زدند. دزد شناسایی شد. به پدرش گفت از شکایت صرفنظر کنند و شغلی هم برای دزد دست‌وپا کرد. مگر مسلمانی و انسانیت همین نیست؟

محمد صلاح، بازیکن مصری ۲۶ ساله‌ی تیم فوتبال لیورپول، اخیراً به شکل عجیب و غریبی گلهای زیادی برای تیمش زده و باعث شده عده‌ای از طرفداران این تیم بگویند بخاطرش مسلمان می‌شوند! این هواداران سرودی ساخته‌اند و می‌خوانند بخاطر تو به مسجد خواهیم رفت و مسلمان خواهیم شد!

محمد صلاح به «پادشاه مصری» لیورپولی‌ها تبدیل شده؛ پادشاهی که پس از گل‌های خود، روبروی هواداران شادمانِ انگلیسی، سر به سجده‌ی پادشاه عالم می‌ساید.








نرم افزار جامع الکُتُبُ التِّسعة

۹ کتاب حدیث اهل سنت

جَامِعُ الکُتُبِ التِّسعَة عنوان نرم افزار بسیار ارزنده و مفیدی است که شرکت "دارالعربیة" در سال ۲۰۱۷ برای سیستم عامل اندروید ساخت. نرم افزاری که در نه کتاب مشهور حدیث که مهمترین کتب حدیث نیز بـه شـما میرونـد یعنـی: صـحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ابی داود، سنن ترمذی، سنن نسائی، سنن ابن ماجه، موطا امام مالک، سـنن دارمـی و مسـند امام احمد را شامل می شود.

این نرم افزار بسیار مفید و زیبا دارای قابلیت های منحصر بفردی می باشد. از جمله این قابلیـت هـا میتـوان بـه مـواردی همچون ظاهر جذاب و کاربر پسند آن اشاره نمود. شرکت دارالعربیه ، سازنده این نرم افزار، سعی نموده استفاده از این نرم افزار را برای کاربر آسان نماید تا کاربر به راحتی به بخش مورد نظر خود دسترسی پیدا کند.

در صفحه اصلی نرم افزار شما میتوانید مواردی همچون: عَرضُ الکُتُب (نمایش کتابهـا) ، البَحـث (جسـتجو)، ملاحظـات (یادداشت های کاربر)، التَّقسیمُ الموضوعی (دسته بندی احادیث بر اساس موضوع)، المُفَضَّلَة (احادیث مورد پسند کـاربر)، اِذهَب اِلَی الحَدیثُ (رفتن به حدیث) را مشاهده خواهید کرد.

در صفحه نمایش حدیث، اسامی راویان را مشاهده می کنید که با کلیک بر روی آن اسم، ملاحظات و شرح حالی را از ثقه بودن و موارد دیگر در آن مشاهده می کنید.

همچنین در بالای صفحه شماره حدیث، نوع حدیث (صحیح، مرفوع و ...) عنوان فصـل (کتـاب) و بـاب حـدیث (ماننـد: کتاب الایمان | باب علامة المنافق) را میتوانید ببینید.

در پایین صفحه نیز دکمه هایی برای دسترسی به "شرح حدیث" (الشرح)، "سند حدیث" (التخریج)، "نوشـتن یادداشـت" (ملاحظة)، "اشتراک گذاری"(المشارکة) و "تنظیمات نمایش" (العرض) قرار داده شده است.

در این نرم افزار میتوانید متن حدیث را بر روی یک عکس نوشته و آنرا به همراه سندش به صـورت عکـس نوشـته بـرای دوستان خود اشتراک گذاری کنید. (المشارکة >صورة > ارسال > انتخاب عکس برای استفاده در عکس نوشـته> ارسـال در نرم افزار مورد نظرتان مانند واتساپ یا تلگرام)

در بخش جستجو میتوانید با وارد کردن یک کلمه تمامی احادیث را جستجو نموده و احادیثی کـه در آنهـا کلمـه مـذکور باشد را مشاهده کنید. همچنین میتوانید از گزینه "البحث فی:" (جستجو در:) کتبی که میخواهید کلمـه یـا حـدیث را در آنها جستجو کنید انتخاب نمایید.

با انتخاب سربرگ "التقسیم الموضوعی" در بخش جستجو میتوانید احادیث را بر اساس موضوع آن جستجو نمایید.

در بخش "التقسیم الموضوعی" می توانید دسته بندی احادیث را بر اساس موضوع آنها مشاهده کنید و به راحتی احادیـث در مورد یک بحث را در یک صفحه ببینیـد و از آنهـا اسـتفاده کنیـد. دسـته بنـدی موضـوعی حـدیث بـرای محققـین و پژوهشگران علوم حدیث بسیار مهم می باشد و چه بسا برای پیدا کردن احادیث درباره یک موضوع ساعتها کتب حدیث را جستجو می کنند. اما با این نرم افزار به راحتی تمام احادیث درباره یک بحث را در کنار هم پیدا میکنید. با کلیک بر روی موضوع دلخواه تعداد احادیث، دسته بندی های آن موضوع را مشاهده می کنید.

این نرم افزار بر روی سیستم عامل اندروید، نسخه ۴ به بالا قابل نصب است. نرم افزار مذکور در گوگل پلای با امتیـاز ۴,۹ و با تعداد نصب ۷ هزار نفر یکی از برترین نرم افزار موجود در زمینه احادیث نبوی می باشد.

برای ورود به صفحه دانلود لینک زیر را در مرورگر موبایل یا رایانه خود وارد کنید

yon.ir/9books



تقدیم به جوانان پرپر شده برای کسب رزق!

در میان دود و آتش می‌گُدازد پیکری
بار دیگر شعله‌های سوزناکِ روزگار
از برای لقمه‌ْنانی رفت ، لیکن برنگشت
کودکی چشم انتظارِ دیدنِ روی‌ِ پدر
تار و پودش سوخت و بُغضی حَلقِ بابا را گرفت
رقص این دودِ غلیظِ نابکار آرَد به یاد
یک قدم با من بیا ای هم‌سِرشْت! ای هم زبان!
این که ناقابل شده گویا عزیزان! جانِ ماست!
داغْ بر داغِ دلِ این قوم مظلوم است بس!
گر بگویم من ز دردِ مردم خونین جگر
درد ما را خود مداوا کن خداوندا که تو

بار دیگر می‌شود تکرار ، داغِ مادری
در بغل می‌گیرد از ما آشنای دیگری
مانْد از او یک جسمِ آتش‌پوش و خونین‌پیکری
دیده بر رَه منتظر بنشسته غمگینْ‌همسری
مثل سیلابی خُروشید اشک‌های خواهری
غصه‌ای دیرین و تلخ و قصه‌ی زجرآوری
بی‌عدد بینی در اینجا لاله های پرپری
می‌زند هرکس به نحوی بر تن ما خنجری
دیده می‌بینند در این ایام وضع بدتری
شرح و تفصیلش نگنجد در میان دفتری
می‌توانی چون بخواهی! چون خدای اکبری

شاکر بلوچ‌زهی (شاهد)

نسیم اسلام
نشریه فرهنگی - دینی طلاب
مدرسه دارالقرآن سراوان

سنت دانلود را ببینید و به دوستان خود معرفی کنید.

 www.SunnatDL.com

 Telegram.me/SunnatDL

 Instagram.com/SunnatDL

 Aparat.com/SunnatDownload



پایگاه اطلاع رسانی مدرسه دارالقرآن سراوان را ببینید
و به دوستان خود معرفی کنید.

 www.Darulquran.ir

 Telegram.me/Darulquran_ir

 Instagram.com/Darulquran.ir

 Aparat.com/Darulquran

